

دوتا فیلسوف رو دیدین که چهطوری با هم بحث می‌کنن؟ دمای بحثشون اونقدر می‌زنه بالا که آدم فکر می‌کنه دارن دعوا می‌کنن. غافل از ثانیه‌ها و دقایق، ساعت‌ها مجادله می‌کنن. شاید فقط برای دستشویی رفتن چند دقیقه‌ای کات کنن! (هتی مواردی هم دیده شده که طرف از توی دستشویی هم بمشش رو دنبال می‌کنه.) به نظرتون این شور و اشتیاق بی‌حد به بحث‌های فلسفی نشونه‌ی نوع عشق نیست؟ حتماً هست! فلسفه عشق به داناییه و بحث‌های فلسفی قولنج ذهن رو می‌شکونه و فکر رو گسترش می‌ده. برای همین همیشه می‌گم خوش به حال کسانی که می‌فلسفن!

خیلی ممنون از حمید سودیان و محمدجواد سه‌دهی عزیز که این کتاب خوب رو نوشتین و سپاس از سعید جان احمدپور و محمد آقای مازنی؛ الحق و الانصاف کیفیت کتاب‌های انسانی‌مون رو از این دوستان داریم و مریم خانم طاهری و الهه خانم آرانی، مرسی که با صبر و پیگیری‌های منظم‌تون این کتاب رو به سرانجام خوبی رسوندید. بروبچه‌های تولید خیلی‌سبز خیلی کارتون درسته. مثل همیشه گل کاشتید. دم همتون از دم گرم.

فلسفه زندگی‌تان مستدام!



این کتاب شامل محتوای تکمیلی است. ✓

توی بعضی از صفحه‌های این کتاب آیکون  رو می‌بینی. هر کدوم از این آیکون‌های شماره‌دار ممکنه کلید به گنج باشن، فقط کافیه دستورالعمل ساده زیر رو اجرا کنی تا به گنج برسی.

۱ QR CODE پشت جلد کتاب رو اسکن کن.

۲ شماره آیکون رو در باکس «جست‌وجوی گد» وارد کن و دکمه جست‌وجو رو بزنی و محتوای تکمیلی رو ببین. محتوای تکمیلی این کتاب شامل پاسخ آزمون‌های پایان درس است.

تقدیم به:

معلمان ایده آل زندگیم:

مهندس داود معصومی، استاد عبدالرضا مفید و دکتر مهدی اصفهانی؛ سایه هایشان مستدام.

حمید سودیان طهرانی

تقدیم به:

تمام افرادی که دغدغه بهتر بودن دارند و برای آن تلاش می کنند.

محمد جواد سه دهی

افلاطون، پدر ایدئالیسم، بر این باور بود که هر پدیده، از یک نمونه اصل، جاودانه و بی نقص برخورداره. این نمونه های ایده آل، نه توی جهان مادی بلکه توی یک عالم ماورایی به نام عالم مُثُل هستند. از اون به بعد اهل فلسفه وقتی می خوان بکن به چیزی خیلی به کمال نهایی خودش نزدیکه، می گن این همون ایده آل یا نمونه مثالی شه. راستش از سال ۹۸ که کتاب تست فلسفه و منطق رو نوشتیم، خودمون هم می دوستیم که اون کتاب، اگرچه خیلی کتاب خوبی بود، ولی با ایده آل و مثال افلاطونی کتاب تست فلسفه و منطق خیلی فاصله داشت! چون اون کتاب توی فوریت زمانی و ابهامات ناشی از تغییر نظام آموزشی نوشته شده بود و طبیعتاً نمی تونست مسیر خودش رو به سمت عالم مُثُل پیدا کنه، اما این کتابی که الان دسته با اون قبلی خیلییی فرق داره! توی این سال ها تا الانی که ما داریم این مقدمه رو می نویسیم ۱۳ کنکور نظام جدید فلسفه و منطق برگزار شده و کنکور چهره جدید خودشو بهمون نشون داده. به همین خاطر، دیگه وقتش بود که کتاب تست ایده آل و مثالی فلسفه و منطق، تجلی جسمانی پیدا کنه و از عالم مُثُل پا به عرصه جهان طبیعت کنکور بذاره. فکر می کنی داریم اغراق می کنیم؟! خب معلومه که کاملاً درست فکر می کنی!! هیچ کتابی واقعاً ایده آل نیست و حتماً جا برای رشد و پیشرفت بیشتر داره، اما انصافاً توی این کتاب خیلی از ایده آلات ذهنیمون رو روی صفحه آوردیم تا اغراق ایده آل نامیدنش، اغراق به جا و قابل قبولی باشه ...

ویژگی های این کتاب

توی این کتاب، جلد درس نامه از جلد بانک تست جدا شده تا قدرت انتخاب بیشتری به اونایی که فقط دنبال تست هستند داده بشه. در عوض پاسخ نامه تست ها رو پر نکته تر و تشریحی تر کردیم که خلأ درس نامه تا حدی حس نشه. تست های این کتاب یک چیدمان استثنایی دارند؛ به طوری که برای جابایی دونه دونه تست های این کتاب وقت صرف کردیم و تلاش کردیم هر تست رو در جایی بذاریم که بیشترین بهره وری آموزشی رو داشته باشه. به طور کلی تست ها رو در ۵ بخش کلیدی سازمان دهی کردیم: **۱. آموزش و تمرین:** این تست ها، حدود ۳۵٪ تست های کتاب رو تشکیل می دن. هدفشون اینه که تیرتیرته تر و موضوع به موضوع، مباحث هر درس رو جلو ببرند و در قالب تست، محتوای اصلی درس رو بهت آموزش بدن. یادت باشه که این تست ها برای آموزش هستند، نه آزمون؛ پس نباید فقط دنبال گزینه جواب باشی. توی خیلی از این تست ها ممکنه با بررسی یکی دو گزینه جواب رو پیدا کنی، اما حتماً باید تمام گزینه ها رو بررسی کنی تا هدف آموزشی این سؤالات برآورده بشه. سطح دشواری این سؤالات از ساده تر از ساده های کنکور شروع می شه تا سطح ساده های کنکور و گاهی ممکنه به متوسط های کنکور هم برسه، اما سؤال دشوار یا چالشی نداره تا مفاهیم پایه ای و مقدماتی خوب جا بیفتند.

۲. تسلط و تثبیت: حدود ۳۵٪ دیگه تست ها برای تسلط شدند. این تست ها گاهی تکرار محتوای بخش آموزش هستند ولی معمولاً به شکل پیچیده تر، ترکیبی تر و در یک کلام کنکوری تر. گاهی هم شامل نکات و محتواهای سطح بالاتری هستند که هدفشون قوی تر کردن توئه. تست های تسلط و تثبیت، موضوعی طبقه بندی نشدن چون یکی از اهدافشون ترکیب کردن موضوعات مختلف درس بوده. در عوض این تست ها یک روند تقریبی ساده به دشوار دارند و اواخر این تست ها سؤالاتی رو می بینی که قطعاً بهت حس حرفه ای شدن خواهد داد. این تست ها شامل سطوح ساده و بیشتر سطوح متوسط و دشوار کنکور می شن ولی تلاش کردیم تست های دارای چالش های خیلی عمیق رو توی این قسمت نذاریم.

۳. ۱۰۰ سؤال: از اسمش پیدا ست؛ این تست ها قراره تو رو برین توی اوج تا به نوک قله کنکور برسی. حدوداً ۱۵٪ تست ها رو تشکیل می دن و معمولاً یا خلاقانه هستند یا چالش برانگیز و البته در سطح دشوارها و دشوارهای چالشی کنکور. اگرچه تعداد این تست ها برای این کتاب کاملاً کافیه ولی ممکنه دوست داشته باشی تعداد بیشتری تست این جور ببینی. بهت حق می دیم، اما خب برای کتاب تست جامع نمی شد بیش از این از تست های خیلی دشوار استفاده کرد؛ پس باید بری سراغ کتاب تست پیشرفت مون یعنی **نردبام** که اساساً برای همین هدف تألیف شده.

۴. کنکور سراسری: معلومه که یه کتاب تست باید تست های کنکور رو داشته باشه، اما معلوم نیست توی هر کتاب تستی، پاسخ نامه های این تست ها به اندازه کافی زیر و بم کنکور رو برات تحلیل کنن. این قسمت یک تصویر روشن از وضعیت تست های هر درس توی کنکور و الگوهای تحلیل درستشون بهت می ده که بدونی توی این درس باید برای چه سؤالاتی و چه جور آماده بشی. این قسمت هم حدود ۷٪ تست های کتاب رو تشکیل داده.

۵. آزمون: بعد از همه این ها لازمه یک آزمون با کیفیت داشته باشی که بتونی خودت رو بسنجی. دسته بندی تست های کتاب فواید زیادی داره، اما یک مشککش هم اینه که دانش آموز از جایگاه تست می فهمه که احتمالاً با یک تست نسبتاً ساده روبه رو شده یا یک تست چالشی جانانه؛ در حالی که توی کنکور تو نمی تونی از جای تست به چنین اطلاعاتی برسی. به همین خاطر به این نتیجه رسیدیم که تست آزمونی برای کتاب لازمه و این قسمت رو هم برات اضافه کردیم که کتاب چیزی کم و کسر نداشته باشه. تست های آزمونیمون حدود ۸٪ تست های این کتاب رو شامل می شن و خیلی خیلی دقیق و با کیفیت تألیف شدن.

سایر ویژگی ها

تست ترکیبی: چون توی کنکور سال های اخیر کم کم داره تست ترکیبی جا باز می کنه، تلاش کردیم توی این کتاب به تعداد کافی از این نوع تست ها بذاریم که با تگ **MIX** نشونشون دادیم. این جور تست ها هر جای کتاب می تونن باشن و مختص طبقه خاصی از تست ها نیستند. با زدن این تست ها خیالت راحت می شه که سؤالات کنکور دیگه نمی تونن با ترکیب کردن درس های مختلف گیجت کنن و فریبت بدن.

آزمون‌های خیلی سبز: حتماً می‌دونی که خیلی‌سبز علاوه بر کتاب‌های خیلی خفن به آزمون خیلی خفن هم داره که طراحاش تعداد نسبتاً زیادی از اساتید برجسته و به‌نام فلسفه و منطق کنکور هستند. حضور تست‌های آزمون‌های خیلی سبز توی این کتاب به این معناست که کتاب ما تک‌سلیقه‌ای تألیف نشده بلکه طیف وسیعی از سلیقه‌های تستی رو شامل می‌شه تا تو رو با نگاه‌های پخته متنوعی آشنا کنه. تست‌های این آزمون‌ها نزدیک به ۱۰٪ تست‌های کتاب رو تشکیل می‌دن که توی قسمت تسلط و تثبیت یا ۱۰۰ شو اونا رو می‌بینی.

تناسب تعدادی و سبکی تست‌ها: یک ویژگی مهم این کتاب تناسب تست‌هاش از جهات مختلفه. خوبه بدونی که ما برای تألیف این کتاب اصلاً زور نزدیم که تعداد تست‌ها رو به ۴۰۰۰ تا برسونیم بلکه برعکس، تعداد خیلی بیشتری تست تألیف کردیم و اون‌ها رو براساس ملاک‌های کیفی و کتی کم کردیم تا به عدد ۴۰۰۰ که خیلی خیلی عدد متناسبی برای یک کتاب جامعه، رسیدیم. توزیع این ۴۰۰۰ تست هم بین منطق، فلسفه ۱ و فلسفه ۲ تقریباً و به طور میانگین، همون توزیع تست‌های کنکوره تا خیالت راحت باشه روی هر کتاب به همون اندازه‌ای وقت خواهی گذاشت که برات آورده داشته باشه. از جهت سطح دشواری، تقریباً ۲۰٪ سؤال ساده‌تر از ساده‌های کنکور داریم که هدفشون آشنا کردن با مفاهیم اولیه است. حدود ۲۰٪ در سطح ساده‌های کنکور داریم تا مطمئن بشی هیچ تست ساده‌ای رو در کنکور از دست نخواهی داد. حدود ۳۰٪ در سطح متوسط‌های کنکور تست گذاشتیم که موتور جلوبرنده‌تو در کنکور بشن. تقریباً ۲۰٪ هم در سطح دشواری‌های کنکور تست دادیم که ترازهای رتبه‌برتری رو از دست ندی. نهایتاً حدود ۱۰٪ هم در سطح دشواری‌های چالشی کنکور تست خواهی دید که بفهمی ته‌تو کنکور چه شکلیه و ترست بریزه و براش استراتژی مناسب داشته باشی (مثلاً زدن این تست‌ها یا زدن بعضی‌هاشون با شرایطی خاص یا حمله برای درصد ۱۰۰). این توزیع دشواری که گفتیم، یک توزیع فوق‌العاده عالی برای کتاب تست جامعه که بتونه به درد هر دانش‌آموزی با هر سطحی بخوره. طبیعتاً مدعیان رتبه‌برتری ممکنه بعد از زدن تست‌های این کتاب احساس نیاز کنن که تست‌های دشوار و چالشی بیشتری ببینن که همون‌طور که گفتیم باید به کتاب نردبام مراجعه کنن.

براساس آخرین تغییرات کتاب درسی فلسفه دوازدهم: در آخرین لحظات بسته‌شدن این کتاب، کتاب درسی جدید (چاپ ۱۴۰۴) به دستمون رسید. در کمال ناباوری نسبت به کتاب پارسال چندین تغییر مهم و سرنوشت‌ساز کرده بود. خدا رو شکر تونستیم در دقیقه ۹۰ (شاید توی وقت تلف‌شده بود) تست‌ها و پاسخ‌ها رو براساس اون تغییرات مهم کتاب درسی، ویرایش و اصلاح کنیم تا خیالتون راحت باشه که همه‌چیز این کتاب همون جویره که باید باشه. این ویژگی‌هاست که باعث شده به خودمون جرأت بدیم بگیم این کتاب یک ایده‌آل اصیل که از عالم مُثُل هیبوط کرده و الان دست توه؛ پس خیالت راحت باشه که الان دقیقاً همون چیزی تو دسته که بهش احتیاج داری تا فلسفه و منطق کنکور رو به مزیت خودت تبدیل کنی.

تقدیر و تشکر

خیلیا برای تولد این کتاب زحمت کشیدن. از بر و بچه‌های تولید خیلی‌سبز بگیرد تا ویراستارهای نکته‌سنج واحد تألیف. اسم‌بردن و قدردانی از تک‌تکشون خودش یک کتاب مجزا می‌خواد (📖) پس ناچاریم این‌جا فقط از بعضی‌ها به نمایندگی از همه اسم ببریم. از همکاران تألیف عزیزمون شروع می‌کنیم: تعداد کم ولی مؤثری از تست‌های کتاب رو دو دوست و همکار گرامی، آقایان مجید قدرتی‌پور و علیرضا کاکاوند تألیف کردند. ازشون صمیمانه سپاسگزاریم. این کتاب تعداد زیادی ویراستار علمی دلسوز هم داشت: از محمد قاسم‌زاده، علی امانت، علی سلوکی، هستی محلوچی، جمیله رضایی، مهشید رستمی، سپهر سهرابی، محمدامین فدائی و کیارش قدیمیاری مچکریم که با حوصله و دقت کتابمون رو خوندن و ایراداتش رو بهمون نشون دادند. از مهندس سبزمیدانی عزیز که اولین کتاب خیلی‌سبزیمون رو هم با مدیریت و راهنمایی‌های ایشون نوشتیم و تا الان که به این نسخهٔ تکامل‌یافته رسیدیم کنارمون بودن و از تجربهٔ غنی سال‌ها کار تألیفشون بهرمندمون کردند، خیلی خیلی ممنونیم. توی این کار یه دوست خیلی‌سبزی جدید هم پیدا کردیم: محمد مازنی که خودش رتبه‌برتر کنکور بوده و الان یک مؤلف و مدیرتألیف جوان ولی حرفه‌ایه و نقش پررنگی توی تألیف این کتاب داشته؛ محمدجان دمت گرم و خدایوت. و البته نقش بسیییییار پررنگ یک نفر دیگه رو اصلاً نمی‌شه نادیده گرفت؛ سرکار خانم الهه آرانی که اسطوره و ایده‌آل پیگیری هستند و از عالم مُثُل به خیلی‌سبز اومدند تا این کتاب به موقع به دستتون برسه. اگر زحمات بی‌دریغ ایشون نبود، قطعاً کتاب با برف سال آینده به دستتون می‌رسید (: از ایشون هم خیلی خیلی تشکر می‌کنیم و اما می‌رسیم به بچه‌های پشت صحنه یعنی خانواده‌هامون! تا مؤلف این‌جور کتاب‌ها یا عضو درجهٔ یک خانوادهٔ مؤلف نباشید نمی‌فهمید کار تألیف چه رنجی رو به خانواده‌هاحمیل می‌کنه (هیچ وقت چهرهٔ پسر پنج‌ساله‌م سجاد رو فراموش نمی‌کنم که یک آخر هفته که مشغول تألیف بودم اومد گفت بابا مگه آخر هفته نیست؟ پس کی کارت تموم می‌شه باهام بازی کنی؟! از خانواده‌هامون خیلی خیلی خیییییلی سپاسگزاریم که صبور بودند و پشتمون رو خالی نکردند تا کار به ثمر نشست. و نهایتاً مهم‌ترین تشکرمون رو باید نسبت به خدای مهربون به جا بیاریم که تک‌تک الفاظی که بر قلممون جاری شد، به توفیقی بود که او بهمون داد. خدایا همهٔ خوبی‌های این کتاب از توه و همهٔ نواقصش از ما. خودت این کتاب رو وسیلهٔ موفقیت همهٔ بچه‌هایی قرار بده که ازش استفاده می‌کنند؛ آمین.

دوست‌دار شما: دکتر حمید سودیان طهرانی

 soudian.falsafemantegh

 Dr_Soudian_falsafemantegh

فهرست مطالب

۱۰ منطق دهم

- درس اول: منطق، ترازوی اندیشه ۸
- درس دوم: لفظ و معنا ۱۷
- درس سوم: مفهوم و مصداق ۲۵
- درس چهارم: اقسام و شرایط تعریف ۳۶
- درس پنجم: اقسام استدلال استقرایی ۴۳
- درس ششم: قضیه حملی ۵۳
- درس هفتم: احکام قضایا ۶۰
- درس هشتم: قیاس اقترانی ۷۰
- درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی ۸۱
- درس دهم: سنجشگری در تفکر ۹۰

۱۱ فلسفه یازدهم

- درس اول: چیستی فلسفه ۹۸
- درس دوم: ریشه و شاخه‌های فلسفه ۱۰۷
- درس سوم: فلسفه و زندگی ۱۱۵
- درس چهارم: آغاز تاریخی فلسفه ۱۲۲
- درس پنجم: زندگی براساس اندیشه ۱۳۰
- درس ششم: امکان شناخت ۱۳۷
- درس هفتم: ابزارهای شناخت ۱۴۴
- درس هشتم: نگاهی به تاریخچه معرفت ۱۵۱

- درس نهم: چیستی انسان (۱) ۱۶۴
- درس دهم: چیستی انسان (۲) ۱۷۱
- درس یازدهم: انسان، موجود اخلاق‌گرا ۱۷۹

۱۲ فلسفه دوازدهم

- درس اول: هستی و چیستی ۱۸۹
- درس دوم: جهان ممکنات ۱۹۸
- درس سوم: جهان علی و معلولی ۲۰۷
- درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟ ۲۱۹
- درس پنجم: خدا در فلسفه (قسمت اول) ۲۲۸
- درس ششم: خدا در فلسفه (قسمت دوم) ۲۴۱
- درس هفتم: عقل در فلسفه (قسمت اول) ۲۵۴
- درس هشتم: عقل در فلسفه (قسمت دوم) ۲۶۴
- درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام ۲۷۴
- درس دهم: دوره میانی ۲۸۲
- درس یازدهم: دوران متأخر ۲۹۱
- درس دوازدهم: حکمت معاصر ۳۰۳

? پاسخ‌نامه

- پاسخ‌نامه تشریحی ۳۱۱
- پاسخ‌نامه کلیدی ۵۱۹

فلسفه دوازدهم

درس اول: هستی و چیستی

آموزش و تمرین

مقدمه درس و قدم نخست

۲۴۲۵- موضوع دانش فلسفه کدام است؟

- (۱) حقیقت (۲) ماهیت (۳) وجود (۴) معرفت

۲۴۲۶- کدام مورد درباره هستی و چیستی درست نیست؟

- (۱) معمولاً در کنار هم به کار می‌روند.
(۲) از مفاهیم پرکاربرد در زندگی روزمره هستند.
(۳) هستی، همان ماهیت و چیستی، همان وجود است.
(۴) درک آن‌ها و نسبت میانشان از مباحث اولیه فلسفه است.

۲۴۲۷- قدم اول برای درک هستی و چیستی کدام است؟

- (۱) واقعیتی هست و می‌توانیم به آن علم پیدا کنیم.
(۲) این دو مفهوم با هم مغایرت و تفاوت دارند.
(۳) در واقعیت‌ها دو جنبه مشاهده می‌کنیم.
(۴) مفهوم هستی در مقابل مفهوم نیستی است.

۲۴۲۸- کدام گزینه از مباحث اصلی پیرامون وجود نیست؟

- (۱) رابطه وجود و ماهیت (۲) مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع (۳) بررسی ماهیت و چیستی اشیا (۴) علت و معلول

۲۴۲۹- استفاده از کلید برای بازکردن در، دربردارنده کدام پیام فلسفی است؟

- (۱) وجود و ماهیت دو مفهوم مغایر در ذهن هستند.
(۲) وجود وجه مشترک و ماهیت وجه اختصاصی موجودات است.
(۳) می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند.
(۴) یکی از مباحث اولیه فلسفه تعیین نسبت میان وجود و ماهیت است.

۲۴۳۰- مفهوم «واقعیت» مترادف است با

- (۱) اتفاق افتاده‌شده (۲) بودن (۳) درک حقیقت (۴) شدن

۲۴۳۱- این‌که انسان در هنگام تشنگی به سراغ آب می‌رود و از آن می‌نوشد، نشانه چیست؟

- (۱) واقعی بودن یک امر برای امکان مورد استفاده قرارگرفتن آن لازم و کافی است.
(۲) اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت براساس رفتار طبیعی انسان اثبات می‌شوند.
(۳) انسان می‌داند در اطرافش چیزهایی واقعی است که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کند.
(۴) انسان براساس آگاهی‌های خود به رفع نیازهایش می‌پردازد، نه براساس امکانات موجود.

۲۴۳۲- کدام مورد برای بیان قدم اول از قدم‌های شناخت هستی و چیستی و نسبت میان آن دو، مناسب‌تر است؟

- (۱) دو مفهوم هستی و چیستی از مفاهیم بدیهی‌اند که هر انسانی در مواجهه با هر واقعیتی، این دو را از آن واقعیت درک می‌کند.
(۲) همه انسان‌ها به درستی و بدون نیاز به دلیل، چیزهایی را اصیل و واقعی می‌دانند و معتقدند می‌شود به برخی از آن‌ها آگاه شد.
(۳) در زندگی همه انسان‌ها نشانه‌هایی وجود دارد که براساس آن‌ها می‌توان اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت را اثبات کرد.
(۴) برای هستی‌شناسی و درک تمایز هستی با چیستی، ابتدا باید اصل امکان شناخت هستی را مورد بررسی قرار داد و آن را پذیرفت.

۲۴۳۳- نپذیرفتن کدام مورد، راه را برای توجه به دو مفهوم هستی و چیستی مسدود می‌کند؟

- (۱) امکان شناخت (۲) واقعی بودن جهان طبیعت (۳) اصالت وجود (۴) وجود رفتارهای طبیعی انسان

۲۴۳۴- رفتار متفاوت ما با امور واقعی نسبت به امور غیرواقعی بیانگر چیست؟

- (۱) برهانی برای اثبات واقعیت و توانایی شناخت
(۲) توجه انسان به تمایز هستی و چیستی
(۳) پذیرش منشأ اثر بودن، تنها برای اموری که وجود دارند.
(۴) اصیل بودن واقعیت در مقابل اعتباری بودن غیرواقعیات

قدم دوم

۲۴۳۵- آن‌چه در میان موجودات مشترک است و آن‌چه بینشان متفاوت است، به ترتیب کدام‌اند؟

- (۱) هستی - ماهیت (۲) چیستی - ماهیت (۳) وجود - هستی (۴) ماهیت - وجود

۲۴۳۶- وقتی کودکی از ما می‌پرسد: «این چیست؟»،

- (۱) به وجود شیء پی برده، ولی ماهیت آن را نمی‌داند.
(۲) به مغایرت وجود و ماهیت شیء توجه دارد.
(۳) از ماهیت شیء می‌پرسد و فعلاً توجهی به وجود آن ندارد.
(۴) وجود و ماهیت شیء برایش مجهول است.

۲۴۳۷- تفاوت اصلی قضیه «صنوبر نوعی درخت است.» و «صنوبر وجود دارد.» در چیست؟

- (۱) قضیه اول ساخته ذهن انسان و قضیه دوم جمله‌ای واقعی است.
(۲) قضیه اول به ماهیت صنوبر اشاره دارد و قضیه دوم به وجود آن.
(۳) قضیه اول محتوای کامل‌تر و دقیق‌تری نسبت به قضیه دوم بیان می‌کند.
(۴) اگر قضیه دوم صحیح نباشد، معنایی برای قضیه اول باقی نخواهد ماند.

۲۴۳۸- درباره ماهیت و چیستی هر شیء، کدام عبارت درست است؟

- (۱) تمامی اوصاف ذاتی و غرضی (غیرذاتی) آن شیء را بیان می‌کند.
(۲) وجودداشتن بخشی از ماهیت هر شیء است.
(۳) هیچ‌گاه ماهیت دو موجود یکسان نمی‌باشد.
(۴) بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

۲۴۳۹- کدام گزینه دربارهٔ آشنایی اولیهٔ انسان با «وجود» و «ماهیت» اشیای پیرامون درست است؟

- (۱) غالباً انسان اول ماهیت اشیا را می‌شناسد و پس از آن، وجودشان را بررسی می‌کند.
- (۲) بیشتر اوقات انسان‌ها وجود و ماهیت اشیای پیرامون را به طور هم‌زمان درک می‌کنند.
- (۳) معمولاً انسان ابتدا متوجه وجود آن‌ها می‌شود، سپس دربارهٔ ماهیتشان تحقیق می‌کند.
- (۴) غالباً کودکان ابتدا وجود و سپس ماهیت را تشخیص می‌دهند و بزرگسالان، برعکس.

۲۴۴۰- پرسش «این چیست؟» نشانگر چه مطالبی است؟

- (۱) ماهیت و وجود چیزی مجهول هستند.
- (۲) شیئی وجود دارد و ماهیت آن مجهول است.
- (۳) ماهیت مجهول است و دربارهٔ وجود اطلاعاتی نداریم.
- (۴) وجود مجهول است و با پرسش از چیستی به دنبال کشف آن هستند.

۲۴۴۱- کدام دو مفهوم در «چیستی» مشترک، ولی در «هستی» مختلف‌اند؟

- (۱) پلنگ سیاه - پلنگ صورتی
- (۲) سیب درختی - سیب زمینی
- (۳) سگ اصحاب کهف - شتر حضرت صالح علیه السلام
- (۴) لوبیای سحرآمیز - نخودفرنگی

۲۴۴۲- «وجود» و «ماهیت» دو موجودات است.

- (۱) بخش
- (۲) حیثیت
- (۳) جزء
- (۴) مصداق

۲۴۴۳- محمول کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) دارایی هست.
- (۲) دارایی وجود دارد.
- (۳) دارایی میوه است.
- (۴) دارایی واقعی است.

۲۴۴۴- آثار خارجی از ناشی می‌شوند و تفاوت این آثار از است.

- (۱) واقعیت - چیستی
- (۲) ماهیت - وجود
- (۳) هستی - نیستی
- (۴) چیستی - هستی

قدم سوم

۲۴۴۵- کدام توصیف‌ها از «آب»، توصیفات صحیح فلسفی به حساب می‌آید؟

- الف) موجودی مرکب است.
- ب) یک موجود واحد است.
- ث) دارای دو جنبهٔ مختلف است.
- ج) از ترکیب «آب» و «وجود»، به وجود آمده است.
- ت) ترکیبی از دو عنصر هیدروژن و اکسیژن است.

- (۱) الف - ب - پ
- (۲) پ - ث
- (۳) الف - ث - ت
- (۴) ب - ت

۲۴۴۶- کدام یک از گزینه‌های زیر از اموری است که از هستی‌اش خبر داریم، اما چیستی آن هنوز چندان برای ما روشن نیست؟

- (۱) اشکال هندسی
- (۲) پری دریایی
- (۳) حقیقت نور
- (۴) گل رز

۲۴۴۷- تفاوت «وجود» و «ماهیت» تنها در و از جهت است.

- (۱) ذهن - مفهوم
- (۲) خارج - مصداق
- (۳) فکر - لفظ
- (۴) خارج - مفهوم

۲۴۴۸- «وجود سیب» با «چیستی آن» متفاوت است و دربارهٔ این تفاوت می‌توان گفت:

- (۱) در خارج از ذهن وجود دارد.
- (۲) در مصادیق خود را نشان می‌دهد.
- (۳) در ذهن و از جهت مفهوم است.
- (۴) به واقعیت مربوط نیست.

۲۴۴۹- در قضایایی همچون «انسان موجود است»، «صنوبر هست»، موضوع و محمول به ترتیب کدام است و کدام توضیح دربارهٔ آن‌ها درست است؟

- (۱) وجود - ماهیت - اولی میان موجودات، مشترک و دومی متفاوت است.
- (۲) چیستی - هستی - هر دو دربارهٔ همهٔ موجودات، یکسان است.
- (۳) ماهیت - وجود - اولی میان موجودات، متفاوت و دومی مشترک است.
- (۴) چیستی - وجود - در عالم خارج با یکدیگر متفاوت هستند.

۲۴۵۰- وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیزند، به این معنا نیست که، بلکه به این معناست که

- (۱) با هم ترکیب و جمع شده‌اند. - از جهت مصداق خارجی با هم متفاوت هستند.
- (۲) دو جزء از یک چیزند. - در ذهن و از جهت مفهوم متفاوت هستند.
- (۳) با هم تفاوت دارند. - در خارج از ذهن یک حقیقت هستند.
- (۴) از جهت مفهوم تفاوت دارند. - تنها در ذهن تفاوت دارند.

۲۴۵۱- هر امر واحد در خارج، در ذهن با مفهوم فهمیده می‌شود.

- (۱) سه - متفاوت
- (۲) دو - متغایر
- (۳) دو - مشابه
- (۴) سه - ثابت

۲۴۵۲- کدام عبارات درست هستند؟

- الف) برخی امور هم چیستی و هم هستی‌شان مشخص است.
 - ب) از هستی برخی امور مطلعیم، اما دربارهٔ چیستی آن‌ها نظر روشنی نداریم.
 - ت) تصورات خیالی فراوانی هستند که نه چیستی دارند و نه هستی.
 - ث) ماهیت و وجود در ذهن یکی هستند.
- (۱) الف - ت
 - (۲) ب - پ
 - (۳) الف - پ
 - (۴) ت - ب

۲۴۵۳- در کدام گزینه به ترتیب اموری که «می‌توانیم ماهیتشان را در ذهن حاضر کنیم، اما تاکنون در خارج وجود نداشته‌اند»، «از هستی‌شان خبر داریم، اما چیستی آن‌ها چندان برای ما روشن نیست»، و «چیستی آن‌ها را می‌دانیم، اما با همان دقت نمی‌دانیم وجود خارجی دارند یا نه» ذکر شده است؟

- (۱) دیو، سیاه‌چاله‌ها در فضا، جهان‌های موازی
- (۲) مرغ آتش‌خوار، حقیقت نور، صنوبر
- (۳) حیوان ناطق، میکروپ‌ها، گربهٔ سیاه
- (۴) ماشین برقی، فضاپیما، خدا

۲۴۵۴- «هستی» و «چیستی» هر چیزی از نظر عین هم و از نظر متفاوت هستند.

- (۱) مصداقی - وجودی
- (۲) ذهنی - خارجی
- (۳) واقعیت - ذهنی
- (۴) آثار - مفهومی

۲۴۵۵- کدام گزینه دربارهٔ شناخت ما از «هستی» و «چیستی» اشیا درست است؟

- (۱) گاهی در هستی اشیا تردید می‌کنیم، ولی چیستی را همیشه می‌شناسیم.
- (۲) گاهی در چیستی اشیا تردید می‌کنیم، ولی هستی را همیشه می‌شناسیم.
- (۳) هر دو مفهوم از بدیهیات هستند، از این‌رو همواره هر دو را می‌شناسیم.
- (۴) می‌شود از هر کدام از این دو مفهوم آگاه بود یا در هر کدام تردید داشت.

۲۴۵۶- توجه به کدام مفهوم، می‌تواند دلیلی روشن بر مغایرت وجود و ماهیت باشد؟

- (۱) انسان نابینا (۲) انسان ده‌چشم (۳) انسان ناطق (۴) انسان حسود

قدم چهارم

۲۴۵۷- حمل «سه‌ضلعی» بر «مثلث» مانند کدام یک از حمل‌های زیر است؟

- (۱) حمل «مهربان» بر «مادر» (۲) حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» (۳) حمل «مخلوق» بر «درخت» (۴) حمل «وجود» بر «فرشتگان»

۲۴۵۸- برای حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» نیاز به دلیل آوردن نیست، زیرا.....

- (۱) حیوان ناطق همان ذات انسان است. (۲) انسان زیرمجموعه حیوان است. (۳) همه انسان‌ها حیوان هستند. (۴) ناطقی جز انسان وجود ندارد.

۲۴۵۹- حمل «فلز مایع» بر «جیوه» نیازمند..... و حمل «هستی» بر «چیستی» نیازمند.....

- (۱) دلیل نیست - دلیل نقلی یا عقلی است. (۲) دلیل عقلی است - دلیل حسی است. (۳) دلیل نیست - دلیل تجربی یا عقلی محض است. (۴) دلیل تجربی است - دلیل تاریخی و تجربی است.

۲۴۶۰- چرا حمل «هستی» بر «چیستی» نیازمند دلیل است؟ زیرا.....

- (۱) چیستی و هستی یکی هستند. (۲) چیستی، موضوع و هستی، محمول است. (۳) میان ماهیت و وجود، رابطه ذاتی برقرار نیست. (۴) وجود جزئی از ماهیت است.

۲۴۶۱- در مقایسه دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» نمی‌توان گفت:.....

- (۱) موضوع در هر دو گزاره یکسان است. (۲) در یکی حمل محمول بر موضوع، ضروری و در دیگری غیرضروری است. (۳) در گزاره‌ای که محمول آن «حیوان ناطق» است، به دلیلی برای حمل محمول بر موضوع نیاز نیست. (۴) در گزاره‌ای که محمول آن «هستی» است، حتماً نیازمند دلیل حسی برای حمل محمول بر موضوع هستیم.

۲۴۶۲- حمل «تعریف حقیقی درست هر چیز» بر «خود آن چیز».....

- (۱) نیاز به استدلال، اثبات و توجیه ندارد. (۲) در واقع حمل وجود بر ماهیت است. (۳) نیازمند دلیل حسی یا عقلی است. (۴) نشانگر مغایرت وجود و ماهیت است.

۲۴۶۳- حمل کدام ویژگی‌ها بر «مثلث» نیازمند دلیل است؟

- الف) شکل‌بودن (ب) متساوی‌الاضلاع بودن (پ) سه‌ضلعی بودن (ت) دارای زاویه بودن
(۱) الف - پ (۲) ب - پ (۳) پ - ت (۴) الف - ت

۲۴۶۴- تفاوت محمول و موضوع در قضیه «مثلث شکل سه‌ضلعی است» در چیست؟

- (۱) تفاوت در مفهوم است. (۲) هیچ تفاوتی ندارند. (۳) تفاوت صرفاً در اجمال و گستردگی مفهومی است. (۴) تفاوت در اهمیت بیشتر محمول نسبت به موضوع است.

۲۴۶۵- با فرض یکی‌بودن هستی و چیستی اشیا، نسبت محمول با موضوع در چند قضیه از قضایای مذکور، نیاز به دلیل ندارد؟

- الف) فلسفه دانش وجودشناسی است. (ب) انسان دانشجو وجود دارد. (پ) مارمولک هست. (ت) لوزی شکل چهارضلعی با اضلاع برابر است.
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۴۶۶- برای اثبات هستی ماهیات باید از..... استفاده کرد.

- (۱) دلیل عقلی محض (۲) دلیل تجربی یا عقلی محض (۳) تخیل (۴) حواس پنج‌گانه

۲۴۶۷- مغایرت وجود و ماهیت نشان می‌دهد.....

- (۱) این‌ها دو موجود مغایرند. (۲) رابطه‌ای همچون لوازم‌التحریر و مداد دارند. (۳) دو حیثیت از یک موجودند. (۴) حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل نیست.

۲۴۶۸- حمل محمول بر موضوع در قضیه «انسان موجود است»، بیشترین تناسب را با کدام یک از قضایای زیر دارد؟

- (۱) انسان، حیوان ناطق است. (۲) انسان، مخلوق است. (۳) انسان، بشر است. (۴) انسان، جسم نامی حساس متحرک بالاراده متفکر است.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۲۴۶۹- در کدام گزینه می‌توان از دلیل حمل محمول بر موضوع سؤال کرد؟

- (۱) ملاصدرا فیلسوف است. (۲) آب مایع است. (۳) سگ پستاندار است. (۴) مستطیل متوازی‌الاضلاع است.

۲۴۷۰- محمول کدام گزینه در ذهن از موضوع جدایی‌پذیر است؟

- (۱) واقعیت هست. (۲) خفاش پستاندار است. (۳) شوهر او مرد است. (۴) انسان وجود دارد.

۲۴۷۱- اگر..... برقرار باشد،.....

- (۱) عینیت وجود و ماهیت - دیگر هیچ ماهیتی با ماهیت دیگر تفاوت ندارد. (۲) جزئیت وجود برای ماهیت - دیگر نمی‌توانیم وجود را بر ماهیت حمل کنیم. (۳) مغایرت وجود و ماهیت - حمل محمول وجود بر موضوع امتناعی است. (۴) دوگانگی وجود و ماهیت - تمایز آن‌ها تنها در ذهن و از جهت مصداق است.

۲۴۷۲- کدام گزاره اطلاعاتی به ما می‌دهد که پذیرش آن نیازمند دلیل است؟

- (۱) انسان حیوان ناطق و دارای قدرت اندیشه‌ورزی است. (۲) حیوان جسم رشدکننده دارای حواس و حرکت ارادی است. (۳) جسم رشدکننده جسمی است که اگر نور به آن برسد، بزرگ می‌شود. (۴) جسم، شیء دارای ابعاد سه‌گانه یعنی طول و عرض و ارتفاع است.

۲۴۷۳- کدام گزینه از تناقضاتی که در پی عینیت وجود و ماهیت پدید می‌آید، نیست؟

- (۱) به محض تصور یک ماهیت، آن ماهیت وجود پیدا می‌کند.
 - (۲) حمل همه چیز بر همه چیز مصداق حمل اولی ذاتی می‌شود.
 - (۳) تلاش برای ایجاد هر تغییری بی‌اثر و بی‌فایده خواهد بود.
 - (۴) تحقیق علمی برای اثبات وجود اشیا عبث و بیهوده می‌شود.
- ۲۴۷۴- کدام حمل از نظر نیازمندی به دلیل، مانند حمل دارای جاذبه بر زمین است؟
- (۱) جسم سه‌بعدی است.
 - (۲) فلسفه وجودشناسی است.
 - (۳) آب شور نیست.
 - (۴) نیستی موجود نیست.

۲۴۷۵- کدام دو حمل از نظر ذاتی یا غیرذاتی بودن با یکدیگر متفاوت‌اند؟

- (۱) مکعب رنگ ندارد. - گل رز حساس نیست.
 - (۲) کسر یک سوم گسسته است. - کره گرد است.
 - (۳) هرم ممتد در سه بُعد است - مربع، لوزی است.
 - (۴) تصور حکم ندارد. - آب رنگی نیست.
- ۲۴۷۶- کدام مورد از تناقض‌هایی است که در فرض جزء ماهیت بودن وجود پدید می‌آید، نه در فرض عین وجود بودن ماهیت؟
- (۱) هیچ ماهیتی وحدت شخصیت نخواهد داشت.
 - (۲) سلسله علل به صورت نامتناهی به عقب باز خواهد گشت.
 - (۳) هیچ مخلوقی وجود نخواهد داشت.
 - (۴) ابداع و اختراعات بی‌سابقه محال و ممتنع خواهد بود.

گذری تاریخی

۲۴۷۷- کدام مطلب یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است؟

- (۱) مخالفت با حس‌گرایی
- (۲) توجه به شهود
- (۳) برهان وجوب و امکان
- (۴) مغایرت وجود و ماهیت

۲۴۷۸- بحث «مغایرت وجود و ماهیت» پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات است که نام دارد.

- (۱) معاد - مبدأ و غایت
- (۲) خداوند - مبدأ و غایت
- (۳) مبدأ هستی - وجوب و امکان
- (۴) عالم آخرت - وجوب و امکان

۲۴۷۹- کدام گزینه درباره تاریخچه «مغایرت وجود و ماهیت» درست است؟

- (۱) این بحث برای اولین بار مورد توجه ابن سینا قرار گرفت.
 - (۲) این نظر پایه مباحث ابن سینا و توماس آکوئیناس در اثبات خدا قرار گرفت.
 - (۳) ابن سینا این بحث را در برهان «امکان فقری» به کار برد.
 - (۴) این نظر که از سوی آکوئیناس در اروپا مطرح شد تأثیری بر مباحث دیگر نداشت.
- ۲۴۸۰- کدام عبارت درباره «توماس آکوئیناس» درست است؟

- (۱) پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیسم» در اروپا شد که تا پایان قرون وسطی در جریان بود.
- (۲) اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آن‌جا شد.
- (۳) برهان خداشناسی او به جهت استفاده از مغایرت وجود و ماهیت بسیار مورد توجه ابن سینا قرار گرفت.
- (۴) فلسفه‌ای که او در اروپا بنیان نهاد، متکی بر آرای فلاسفه مسلمان به‌خصوص ملاصدرا و ابن سینا بود.

(آزمون‌های آزمایشی قبلی سبز)

۲۴۸۱- کدام گزینه در رابطه با آکوئیناس یا ابن سینا بیانگر مطلب درستی است؟

- (۱) آکوئیناس هم مانند ابن سینا، اما به صورت مستقل از او، در بحث مغایرت وجود و ماهیت و اثبات وجود خدا، براساس آن وارد شده است.
- (۲) هر کدام به طور کاملاً مستقل، توجه ویژه‌ای به بحث مغایرت ذات و ماهیت داشته‌اند.
- (۳) توجه ویژه ابن سینا به بحث مغایرت ذهنی هستی و چیستی، مبدأ گفت‌وگوهای فراوان بین فیلسوفان شده است.
- (۴) مغایرت ذهنی هستی و چیستی، پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا در اثبات ضرورت وجود خدا بوده است.

۲۴۸۲- کدام سنت فلسفی با ابن سینا آغاز شد؟

- (۱) توجه ویژه به دو مفهوم وجوب و امکان
- (۲) فلسفه تومیسیم و به وجود آمدن مناقشات فلسفی در پی آن
- (۳) توجه به دو مفهوم هستی و چیستی و تفاوت قائل شدن بین آن‌ها
- (۴) پیداشدن عنوانی مجزا برای بحث مغایرت وجود و ماهیت

۲۴۸۳- کدام گزینه درباره تأثیر ابن سینا و ابن رشد بر فلاسفه غرب درست است؟

- (۱) هر دو به یک میزان در ترویج فلسفه اسلامی در اروپا مؤثر بودند.
- (۲) هر دو به یک میزان در ترویج فلسفه ارسطویی در اروپا مؤثر بودند.
- (۳) هر دو در ترویج فلسفه اسلامی در اروپا کوشیدند، ولی سهم ابن سینا بیشتر بود.
- (۴) هر دو در ترویج فلسفه ارسطویی در اروپا مؤثر بودند، ولی سهم ابن سینا بیشتر بود.

تسلط و تثبیت

۲۴۸۴- بارزترین دلیل مغایرت وجود و ماهیت چیست؟

- (۱) حمل ماهیت برخلاف وجود، بی‌نیاز از دلیل است.
- (۲) چیزهایی وجود دارند که از چیستی آن‌ها بی‌اطلاعییم.
- (۳) تصوراتی از چیزهایی داریم که وجود ندارند.
- (۴) خداوند وجود دارد ولی ماهیت ندارد.

۲۴۸۵- «مواردی را به خاطر داریم که چیزی را واقعی می‌دانستیم اما اندکی بعد به اشتباه خود پی برده و متوجه شده‌ایم آن چیز واقعیت ندارد.» کدام عبارت درباره این جمله درست است؟

- (۱) این موارد هیچ‌گاه واقع نمی‌شود.
- (۲) گاهی مواردی که وجود ذهنی دارند مابه‌ازای خارجی ندارند.
- (۳) تمام چیزهایی که در اطراف ما هستند از این امور هستند.
- (۴) ماشین اسباب‌بازی کودکان یکی از این موارد محسوب می‌شود.

۲۴۸۶- در میان عبارات زیر چند عبارت درست است؟

- (الف) «وجود» موضوع مباحث فلسفی است.
- (ب) انسان واقعیت را منشأ اثر می‌داند.
- (پ) با سؤال «این چیست؟» ابتدا هستی را پذیرفته‌ایم، سپس از چیستی می‌پرسیم.
- (ت) سؤال از «چیستی» به صورت بله یا خیر پاسخ داده می‌شود.

۲۴۸۷- کدام گزینه دربارهٔ «هستی» و «چیستی» درست است؟

- (۱) دو جزء از یک چیز هستند.
 - (۲) رابطهٔ آن‌ها مانند کاغذ و رنگ است.
 - (۳) تفاوت آن‌ها فقط در ذهن و از جهت مفهوم است.
 - (۴) تفاوت و اختلاف آن‌ها در خارج از ذهن آشکار می‌شود.
- ۲۴۸۸- «در حال قدم‌زدن با دوستم بودم که از دور سایه‌ای را دیدیم و او با اضطراب پرسید این چیست؟» کدام برداشت از این واقعه با مبانی فلسفی همخوان است؟
- (۱) عدم مغایرت وجود و ماهیت برای این فرد ایجاد اضطراب کرده است.
 - (۲) فرد پرسشگر تفاوت وجود و ماهیت را درک کرده اما در این مورد به هیچ کدام علم ندارد.
 - (۳) پرسش این فرد مبتنی بر مغایرت وجود و ماهیت و عدم علم او به یکی از این دو مفهوم است.
 - (۴) این پرسش از آن جهت مطرح شده است که فرد شک دارد آیا مغایرتی میان وجود و ماهیت برقرار است یا نه.

۲۴۸۹- «عینیت مفهوم وجود و ماهیت»، «زیادت وجود بر ماهیت» و «مغایرت وجود با ماهیت» به ترتیب موصوف به چه وصفی هستند؟

- (۱) مقبول - مردود - مقبول
 - (۲) مردود - مقبول - مقبول
 - (۳) مقبول - مقبول - مردود
 - (۴) مردود - مردود - مردود
- ۲۴۹۰- کدام مورد برای روشن کردن نسبت وجود و ماهیت، مناسب نیست؟

- (۱) وقتی نمی‌دانیم گوشی تلفن همراهمان کجاست.
- (۲) وقتی نمی‌دانیم هدیه‌ای که دریافت کرده‌ایم، چیست.
- (۳) وقتی نمی‌دانیم آن چه در سفره گذاشته‌اند، چه غذایی است.
- (۴) وقتی نمی‌دانیم حیوانی که از دور می‌بینیم، شغال است یا روباه.

۲۴۹۱- کدام گزینه از نظر نیازمندی و یا بی‌نیازی به دلیل حمل، متفاوت است؟

- (۱) انسان، فانی است.
- (۲) انسان، جسم نامی حساس ناطق است.
- (۳) انسان، موجود است.
- (۴) انسان، حیوان راست‌قامت است.

۲۴۹۲- قدم اول در شناخت هستی و چیستی و نسبت میان آن‌ها شامل کدام است؟

- (۱) حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل تجربی یا عقلی است.
- (۲) هر واقعیتی در ذهن ما دارای دو مفهوم وجود و ماهیت است.
- (۳) واقعیت‌ها را قبول داریم و میان واقعیت و عدم واقعیت تفاوت قائلیم.
- (۴) وجود و ماهیت دو مفهوم مغایرند که در خارج جدای از یکدیگر نیستند.

۲۴۹۳- اصل وجود و وجود یک شیء خاص

- (۱) اثبات‌نشده - نیازمند دلیل است.
- (۲) بدیهی - نیز به همان بدهات است.
- (۳) همان واقعیت انکارناپذیر - بخشی از همان واقعیت است.
- (۴) برای همه چیز ضروری - برای خود آن شیء ضروری است.

۲۴۹۴- اگر در تحقیقات علوم تجربی، موضوعی را به طور دقیق تعریف مفهومی کنیم و سپس آن را موضوع تحقیق قرار دهیم

- (۱) نسبت به وجود آن یقین داریم، ولی ماهیتش را بعد از انجام تحقیقات می‌شناسیم.
- (۲) ممکن است در وجودش تردید داشته باشیم، ولی ماهیتش را به خوبی می‌شناسیم.
- (۳) در وجود و ماهیتش ابهامی نداریم و نسبت به هر دو شناخت و آگاهی داریم.
- (۴) ممکن است هم در وجود و هم در ماهیتش تردید و ابهام داشته باشیم.

۲۴۹۵- کدام مبحث فلسفی، پایهٔ یکی از برهان‌های اثبات وجود خدا در آثار ابن سینا شد که آکوئیناس هم آن را پذیرفت و مطرح کرد؟

- (۱) مغایرت هستی و چیستی
 - (۲) اصل قبول واقعیت
 - (۳) اصل علیت
 - (۴) اصل امتناع دور و تسلسل
- ۲۴۹۶- در کدام گزینه عبارت اول بیانگر عبارت دوم است؟

- (۱) ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. — حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» مانند حمل «مخلوق» بر «انسان» است.
- (۲) پرسش کودک از چیستی یک حیوان که برای اولین بار در باغ وحش دیده است. — عدم علم او به وجود و ماهیت چیزی که تاکنون ندیده است.
- (۳) میان «انسان» و «وجود» رابطهٔ ذاتی برقرار نیست. — حمل «وجود» بر «انسان» فقط نیاز به دلیل عقلی محض دارد، نه دلیل حسی و تجربی.
- (۴) وقتی دلمان می‌گیرد کنار یکی از عزیزانمان پهلوی می‌گیریم. — واقعی‌بودن چیزهایی که در پیرامون ما هست را قبول داریم.

۲۴۹۷- کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) نوشیدن آب در هنگام تشنگی نشانگر واقعی دانستن آب است.
- (۲) هر امر بدیهی در واقع، غیر قابل انکار و بی‌نیاز از اثبات است.
- (۳) ماهیت و وجود گاهی با یکدیگر مغایرند و گاهی یکی جزء دیگری است.
- (۴) در عبارت «میز وجود دارد» میان موضوع و محمول رابطهٔ ضروری برقرار نیست.

۲۴۹۸- براساس قدم‌های تعیین‌شده برای شناخت بیشتر «هستی» و «چیستی»، موارد زیر، به ترتیب محصول کدام گام می‌باشد؟ (آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

الف) اشتراکی‌بودن وجود برای موجودات و مفارقت‌آمیزبودن ماهیت برای آن‌ها

ب) پذیرش واقعیت و استفاده از آن برای رفع نیازها

پ) مغایرت ذهنی وجود و ماهیت

ت) عدم رابطهٔ ذاتی بین وجود با هر ماهیتی

- (۱) گام دوم، گام اول، گام سوم، گام چهارم
- (۲) گام سوم، گام اول، گام دوم، گام چهارم
- (۳) گام دوم، گام چهارم، گام سوم، گام اول
- (۴) گام سوم، گام چهارم، گام دوم، گام اول

۲۴۹۹- نوع حمل در کدام گزینه با حمل «جیوه» بر «مایع» یکسان است؟

- (۱) شکل بر دایره
- (۲) انسان بر بشر
- (۳) مجرد بر غیرمادی
- (۴) مربع بر مستطیل

۲۵۰۰- کدام عبارت درست است؟

- (۱) اگر وجود با ماهیت رابطهٔ ذاتی داشت، موجود دانستن اشیاء قطعی بود.
- (۲) تفکیک وجود از ماهیت فقط در ذهن است و ترکیب آن‌ها فقط در خارج از ذهن.
- (۳) حمل وجود بر ماهیت، نشان می‌دهد که این‌ها دو مفهوم متفاوت با یکدیگر هستند.
- (۴) اگر وجود، عین ماهیت یا جزئی از آن بود، تمایز میان اشیای مختلف از بین می‌رفت.

۲۵۰۱- وقتی غمگین می شویم و دلمان می گیرد، نزد عزیزانمان می رویم و با همنشینانی با آن ها روحمان آرام می شود و اندوهمان برطرف می گردد، کدام عبارت درباره این رفتار نادرست است؟

- (۱) این رفتار یکی از اصول فلسفی را به خاطر می آورد.
- (۲) این یک رفتار طبیعی است که انسان ها بروز می دهند.
- (۳) این رفتار به خوبی تمایز میان وجود و ماهیت را نشان می دهد.
- (۴) این رفتار بیانگر آن است که اموری را در اطراف خود واقعی می دانیم.

۲۵۰۲- چه چیزی سبب می شود تصور یک کوه بزرگ، ذهن ما را سنگین نکند؟

- (۱) نبود وجه مشترک موجودات
- (۲) عدم انطباق ذهن با خارج
- (۳) نبود وجه تمایز حقیقی کوه
- (۴) عدم انتقال ماهیت کوه به ذهن

۲۵۰۳- کدام گزینه درباره ابن سینا و آکوئیناس درست است؟

- (۱) هر دو به طور مستقل توجه ویژه ای به بحث زیادت وجود بر ماهیت کردند و آن را پایه اثبات وجود خدا قرار دادند.
- (۲) هر دو مستقیم یا غیرمستقیم در یک جریان سازی فلسفی در اروپا نقش داشتند که آن جریان تا امروز هم باقی است.
- (۳) ابن سینا با فلسفه آکوئیناس آشنا بود، ولی توجه ویژه او به بحث مغایرت وجود و ماهیت، مبتکر دیگری جز خودش نداشت.
- (۴) این سؤال که آیا ماهیت اصیل است یا وجود، در جهان اسلام در آثار ابن سینا مطرح شده و در اروپا در آثار آکوئیناس بیان شده است.

۲۵۰۴- در کدام گزینه قدم های شناخت دو مفهوم «وجود» و «ماهیت» و نسبت میان آن دو با ترتیب درستی بیان شده است؟

- (۱) قبول امکان شناخت - شناخت واقعیت از دو جنبه وجود و ماهیت - مغایرت مصداق دو مفهوم وجود و ماهیت - نیازمندی حمل وجود به دلیل
- (۲) قبول واقعیت به طور کلی - قبول واقعیت هستی و چیستی - قبول مغایرت هستی و چیستی - اثبات نیازمندی حمل هستی بر چیستی به دلیل
- (۳) پذیرش اصل واقعیت و امکان شناخت - توجه به جنبه مشترک و جنبه اختصاصی واقعیات - مغایرت وجود و ماهیت - اثبات مغایرت این دو مفهوم
- (۴) پذیرش وجود واقعیت و امکان شناخت - شناخت وجود و سؤال از ماهیت - پذیرش تمایز ذهنی و وحدت مصداقی وجود و ماهیت - اثبات این تمایز

۲۵۰۵- درباره مفهوم ماهیت کدام مورد درست است؟

- (۱) چیزی است که در واقعیت با هستی مغایرت دارد، چون وجه اختصاصی است.
- (۲) حقیقتی است که اگر موجود باشد با وجودش وحدت و عینیت مصداقی دارد.
- (۳) همان ذاتیات شیء است که نسبت دادن وجود به آن نیازمند دلیل نیست.
- (۴) همان چیستی شیء است که تفاوت مفهومی با وجود همان شیء ندارد.

۲۵۰۶- چرا از نگاه فلسفی به ویژه فلسفه ابن سینا آب را مانند یک شیمی دان تحلیل نمی کنیم؟

- (۱) مرکب بودن حاصل بررسی تخصصی علم شیمی است، ولی از نظر هستی شناختی که نگاه بنیادی دارد، آب اجزای تشکیل دهنده ندارد.
- (۲) بررسی های تجربی آب را مرکب معرفی می کنند ولی از منظر عقل پذیرفته نیست که یک حقیقت واحد، مرکب از چند حقیقت باشد.
- (۳) فلسفه، مرکب بودن آب از عناصر را انکار نمی کند ولی هدفش بررسی آب به عنوان یک واقعیت واحد از جنبه های مفهومی مختلف است.
- (۴) قلمرو روش علم شیمی یک بحث فلسفی است و فیلسوف این روش را برای تحلیل ماهیت ذهنی مناسب می بیند، نه درک واقعیت خارجی

(ترکیبی با درس ۸)

۲۵۰۷- اگر بخواهیم نسبت میان وجود و ماهیت را با دقت فلسفی بشناسیم، بهتر است گام اول ما چه باشد؟

- (۱) باید از حیث هستی شناختی و نیز از حیث معرفت شناختی مسیر خود را از سوفیست ها جدا کنیم.
- (۲) به زندگی خود توجه کنیم و ببینیم بر چه اساس از اشیا استفاده و نیازهای خود را برطرف می کنیم.
- (۳) مفهوم های وجود و ماهیت را تعریف کنیم یا نشان دهیم که واضح اند و نیازی به تعریف آن ها نیست.
- (۴) باید معتقد شویم که واقعیتهایی در جهان پیرامون هست و عالم هیچ در هیچ و پوچ در پوچ نیست.

۲۵۰۸- کدام تحلیل از عبارت زیر قابل قبول است؟

- (۱) «برای همه ما پیش آمده است که به واقعی بودن چیزی اعتقاد داشته ایم، ولی بعد از مدتی متوجه شده ایم که اشتباه می کرده ایم.»
- (۲) به اشتباه مفهوم وجود را با مفهوم ماهیت یکسان در نظر گرفته ایم.
- (۳) شناخت ما در معرض خطاست و نمی توان حکم قطعی به وجود چیزی کرد.
- (۴) آن چیز را از جنبه چیستی شناخته ایم، ولی حکمی درباره جنبه هستی اش نکرده ایم.

- (۱) موضوعی که درباره آن حکم کرده ایم و سپس آن حکم را پس گرفته ایم، همان ماهیت آن چیز است.
- (۲) موضوعی که درباره آن حکم کرده ایم و سپس آن حکم را پس گرفته ایم، همان ماهیت آن چیز است.
- (۳) موضوعی که درباره آن حکم کرده ایم و سپس آن حکم را پس گرفته ایم، همان ماهیت آن چیز است.
- (۴) موضوعی که درباره آن حکم کرده ایم و سپس آن حکم را پس گرفته ایم، همان ماهیت آن چیز است.

۲۵۰۹- کدام مورد را می توان برهان درستی برای مغایرت هستی و چیستی دانست؟

- (۱) فهم واقعی بودن هر ماهیتی به چیزی فراتر از شناخت ذاتیات آن ماهیت وابسته است.
- (۲) حمل کل ذات یا هر یک از ذاتیات هر موضوعی بر آن موضوع، ضروری و اجتنابناپذیر است.
- (۳) در مواجهه با هر واقعیتهایی، دو جنبه در آن مشاهده می کنیم. که یکی را وجود و دیگری را ماهیت می نامیم.
- (۴) وقتی به موجودی اشاره می کنیم و می گوئیم «این چیست؟» خود آن را شناخته ایم و در پی شناخت ماهیتش هستیم.

۲۵۱۰- کدام عبارت وجه تمایز حمل اولی ذاتی (بی نیاز از دلیل) را از دیگر حمل ها به نحو دقیق تری توضیح می دهد؟

- (۱) این حمل برخلاف دیگر حمل ها، فقط یک جزء ذاتی یا یک جزء تعریفی را به موضوع نسبت می دهد.
- (۲) محمول این حمل، شامل همه افراد موضوع می شود و آن را از همه دیگر موضوعات متمایز می سازد.
- (۳) تنها وقتی محمول از موضوع عقلاً جدایی ناپذیر و لاینفک باشد، چنین حملی اتفاق افتاده است.
- (۴) در این حمل برای تصدیق وجوبی بودن، به چیزی بیش از تصور موضوع و محمول نیاز نداریم.

۲۵۱۱- در مباحث مربوط به هستی و چیستی کدام مورد قابل قبول است؟

- (۱) اگر وجود را امری ذاتی برای موضوعات مختلف بدانیم، باید از وجوه افتراق موضوعات صرف نظر کنیم و همه امور را عین هم بدانیم.
- (۲) حمل انسان بر ناطق مانند حمل پلاتین بر فلز یا حمل مارماهی بر زنده یک حمل نیازمند دلیل است، ولی دلیلش لزوماً عقلی نیست.
- (۳) وجود و ماهیت از اجزای مفهومی واقعیات هستند که در خارج از ذهن وحدت مصداقی دارند، ولی درون ذهن دارای مغایرت هستند.
- (۴) مغایرت وجود و ماهیت از قواعد اساسی فلسفه مسلمانان است که توسط ابن سینا به فلسفه برخی مسیحیان نیز منتقل شده است.

۲۵۱۲- کدام مورد درست است؟

- (۱) اولین گام برای شناخت هستی و چیستی و نسبت میان آن دو، اثبات واقعیت و امکان شناخت آن است.
- (۲) اگر چه واقعیات جهان طبیعت از اجزایی درست شده‌اند، ولی فیلسوف هر یک را امر واحدی در نظر می‌گیرد.
- (۳) اشاره به یک واقعیت، مستلزم پذیرش وجود آن است، ولی اشاره به یک امر ذهنی به هیچ نحوی چنین نیست.
- (۴) حمل وجود بر هر ماهیتی همواره نیازمند دلیل است ولی حمل امور مربوط به ماهیت، نیازمند هیچ دلیلی نیست.

۲۵۱۳- کدام حمل‌ها از نظر نیازمندی به دلیل مشابه هستند؟

- (۱) حمل دارای اضلاع برابر بر لوزی - حمل مستطیل بر مربع
- (۲) حمل حساس بر جاندار - حمل سه‌بعدی بر پرند
- (۳) حمل گسسته بر عدد - حمل سه‌گوش بر مثلث
- (۴) حمل دانش بر تصور - حمل آب بر بی‌رنگ



۲۵۱۴- این‌که انسان‌ها گاهی ابتدا «سراب» را واقعی می‌پندارند و زمانی که برای رفع عطش به آن نزدیک می‌شوند، پی به اشتباه خود می‌برند و از کار خود دست برمی‌دارند، دربردارنده کدام پیام نیست؟

- (۱) هرگاه انسان به اشتباهات خود پی می‌برد، آن را اصلاح می‌کند.
- (۲) انسان‌ها با واقعیت آشنا هستند.
- (۳) انسان واقعیت را منشأ اثر می‌داند.
- (۴) انسان با عدم واقعیت آشنا است.

۲۵۱۵- ذهنی و اعتباری ندانستن امور پیرامونی،

- (۱) اصلی بدیهی است که در طول تاریخ مورد انکار هیچ گروهی نبوده است.
- (۲) باوری است که ارتباطی با رفتار و اعمال انسان‌ها ندارد.
- (۳) بستگی به درک ما از رابطه میان وجود و ماهیت دارد.
- (۴) دلیلی است بر استفاده از اشیا برای رفع نیازهایمان.

۲۵۱۶- کدام مطلب پیامد مغایرت نداشتن وجود و ماهیت، نیست؟

- (۱) حمل وجود بر ماهیت دلیل نمی‌خواهد.
- (۲) ماهیتی که واقعی نباشد، امکان ندارد.
- (۳) هر شیء حقیقتی دوگانه در خارج ندارد.
- (۴) در چیزهایی که مشاهده می‌کنیم دو حیثیت نمی‌یابیم.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۲۵۱۷- اگر وجود و ماهیت با هم مغایرت نداشته باشند، کدام مطلب به عنوان پیامد آن مطرح نیست؟

- (۱) با حقیقتی دوگانه در رابطه با هر شیء در خارج، مواجه نخواهیم بود.
- (۲) هر ماهیتی که واقعیت نداشته باشد، امکان به وجود آمدن آن هم منتفی است.
- (۳) حمل وجود بر ماهیت، نیازمند دلیل نخواهد بود و بی‌نیاز از دلیل است.
- (۴) هر چیزی را که مشاهده می‌کنیم دو حیثیت ندارد و تنها یک حیثیت خواهد داشت.

(آزمون‌های آزمایشی فیلی سبز)

۲۵۱۸- در کدام مورد، مطلب بیان‌شده، مشروط است به شرطی که در انتها برایش ذکر شده است؟

- (۱) با تصور هر ماهیتی، وجود هم با آن همراه بود. — اگر مفهوم وجود و ماهیت مغایر می‌بود.
- (۲) نفی ماهیت از وجود ممکن نبود. — تنها اگر وجود عین ماهیت می‌بود.
- (۳) اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیازمند به دلیل نبود. — اگر مفهوم وجود و ماهیت مغایر نمی‌بود.
- (۴) همه ماهیات یکی بود. — اگر وجود عین ماهیت یا جزء آن می‌بود.

۲۵۱۹- کدام بیت به ارزش واقعیت در مقابل عدم واقعیت اشاره روشنی نمی‌کند؟

- (۱) شتر در خواب بیند پنبه‌دانه
- (۲) دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ
- (۳) دنیا چو حبایی است ولیکن چه حباب
- (۴) چون عاقبت کار جهان نیستی است
- گهی لفلف خورد گه دانه‌دانه
- ای هیچ برای هیچ بر هیچ میچ
- نی بر سر آب بلکه بر روی سراب
- انگار که نیستی، چو هستی خوش باش

۲۵۲۰- وجه مشترک همه انواع ماهیات و وجه افتراق آن‌ها

- (۱) وجود است - چیستی است.
- (۲) آثار خارجی است - وجود است.
- (۳) چیستی است - وجود است.
- (۴) وجود ندارد - چیستی است.

۲۵۲۱- در کدام گزینه «چیستی» سؤال‌برانگیز است، نه هستی؟

- (۱) یک پزشک توموری را در ناحیه غدد لنفاوی تشخیص داده و برای تعیین نوع آن آزمایش می‌نویسد.
- (۲) یک تکنیسین هواپیما قبل از پرواز، موتورها را روشن می‌کند تا مطمئن شود، نقص فنی ندارند.
- (۳) یک زیست‌شناس به دنبال رصد علائم حیاتی در دیگر سیارات به کاوش‌های کیهان‌شناختی می‌پردازد.
- (۴) یک سرآشپز برای بهتر کردن طعم غذاهای رستوران در کابینت‌ها به دنبال ادویه کاری می‌گردد.

۲۵۲۲- گزاره «پلاتیپوس هست» در مقایسه با گزاره «پلاتیپوس پستاندار تخم‌گذار است» است و در مقایسه با گزاره «پلاتیپوس ماهیت دارای تأثیرات خارجی است»

- (۱) کاملاً مشابه - کاملاً متفاوت است.
- (۲) دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی - نیز همان شباهت‌ها و تفاوت‌ها را دارد.
- (۳) کاملاً متفاوت - کاملاً مشابه است.
- (۴) دارای تفاوت اساسی - هیچ تفاوت هستی‌شناختی ندارد.

۲۵۲۳- کدام گزینه درباره «هستی» و «چیستی» درست است؟

- (۱) هستی همه اشیا مفهومی بدیهی است، ولی چیستی همه اشیا نیاز به تعریف دارد.
- (۲) هستی‌ها دارای آثار خارجی هستند، ولی چیستی اشیا نقشی در خواص و آثار خارجی آن‌ها ندارد.
- (۳) هستی اگرچه شرط لازم منشأ اثر بودن است و لذا چیستی بدون هستی، اثر خارجی ندارد، ولی شرط کافی نیست.
- (۴) هستی‌ها از جهت مفهومی فرقی ندارند، ولی چیستی‌ها برخی بدیهی‌اند و برخی نیازمند تعریف هستند تا معلوم شوند.

۲۵۲۴- از بین عبارات زیر چند گزاره درباره «هستی» و «چیستی» یک موضوع ممکن الوجود خاص درست است؟
(الف) هستی و چیستی آن، هرگز از هم قابل تفکیک نیستند.

(ب) مغایرت هستی و چیستی اش مانند مغایرت دو روی یک سکه است.

(پ) هستی و چیستی اش مانند روغن و جربی از هم جدایی ناپذیر هستند.

(ت) با بررسی یک هستی می توانیم به چیستی اش پی ببریم، ولی برعکس صادق نیست.

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) صفر

۲۵۲۵- استدلال ابن سینا برای مغایرت وجود و ماهیت به کدام تمثیل شبیه تر است؟

(۱) ما می توانیم کتاب هایی را تصور کنیم که هنوز نوشته نشده اند، ولی نمی توانیم کتابی را تصور کنیم که نه نوشته دارد و نه تصویر.

(۲) این ماشین برای حمل مواد یخچالی ساخته شده و آن ماشین برای حمل مواد غیر یخچالی؛ پس باید محفظه بارشان متفاوت باشد.

(۳) اگر قاتل این دو فقره قتل یک نفر بوده باشد، باید اثر انگشت به جامانده در مکان جرم نیز یکی می بود؛ پس قاتل متفاوت بوده است.

(۴) یک قطعه فلزی هم رسانا است و هم جامد، ولی این به آن معنا نیست که رسانایی همان جامد بودن است، زیرا جامد غیر رسانا هم داریم.

۲۵۲۶- کدام مورد از نتایج مغایرت وجود و ماهیت است؟

(۱) مصادیق وجود و ماهیت در عالم خارج یکسان نیستند.

(۳) می توان یک ماهیت را برای اولین بار به وجود آورد.

(۲) با اشاره «این» و «آن» به وجود اشاره می کنیم، نه ماهیت.

(۴) حمل کردن وجود بر هیچ ماهیتی ضروری نخواهد شد.

۲۵۲۷- اگر بر فرض محال، مغایرتی بین وجود و ماهیت نبود، کدام گزاره ها پذیرفتنی نبودند؟

(الف) هیچ گونه ای از جانداران قابل انقراض نیستند.

(پ) هیچ کاری قابل انجام نیست.

(ب) هیچ علت و معلولی موجود نیست.

(ت) هیچ خیالی باطل نیست.

(۱) الف - ب - پ (۲) ب - پ - ث (۳) الف - ت (۴) فقط «ث»

(ترکیبی، با درس ۴ فلسفه ۱۱)

۲۵۲۸- کدام عبارت درست است؟

(۱) جدایی ناپذیر بودن وجود و ماهیت در خارج از ذهن، گواه این پیش فرض است که مفاهیم، انطباق کاملی بر مصادیقشان ندارند، چرا که دو مفهوم متفاوت یک مصادیق واحد دارند و تفاوت مفهومی آن ها مابازایی در این مصادیق ندارد.

(۲) نگاه وحدت گرایانه فلسفی به هر واقعیت، در مقابل نگاه تجزیه گرایانه علم شیمی، مرهون مغایرت وجود و ماهیت است، زیرا بدون این مغایرت، هر موجودی در درون خود شامل بی نهایت وجود خواهد بود و وحدتی نخواهد داشت.

(۳) دیدگاه پارمنیدس درباره حرکت و شدن براساس پیش فرض عدم مغایرت وجود و ماهیت عرضه شده است، زیرا با این فرض، وجود، ذاتی هر امری خواهد بود و از بین رفتن و پدید آمدن که لازمه حرکت است، محال خواهد شد.

(۴) اگر دیدگاه فیثاغورس درباره آن چه موجودات از آن تشکیل شده اند را بپذیریم، باید وجود را ذاتی اعداد بدانیم، زیرا در این دیدگاه «عدد» اولین موجود است و باید وجودش از خودش باشد، براین اساس وجود، جزء یک ماهیت است.

کنکور سراسری

۲۵۲۹- پاسخی که در برابر سؤال از ذات اشیا و واقعیات قرار می گیرد، همان است که آن با از مباحث اولیه فلسفه اسلامی است.

(۱) وجود - مغایرت - ماهیت (۲) ماهیت - مغایرت - وجود (سراسری ۸۹ - با تغییر)

(۳) ماهیت - عینیت - وجود (۴) وجود - عینیت - ماهیت

۲۵۳۰- ماهیت و وجود اشیا در از هم جداست و این یعنی که از ناشی می شود.

(۱) واقعیت - مغایرت مفهوم آن ها - قدرت ذهن انسان (۲) ذهن - مغایرت مفهوم آن دو - قوه انتزاع

(۳) ذهن - اعتباری بودن ماهیت - قدرت ذهن انسان (۴) واقعیت - مغایرت آن دو - قوه انتزاع

۲۵۳۱- وقتی از واقعیت یک موجود سخن می گوئیم،
(۱) یک حمل ضروری صورت گرفته است.

(۲) ماهیت خاصی را به آن موجود نسبت می دهیم.

(۳) مفهومی مغایر با موضوع را بر آن حمل می کنیم.

(۴) حمل محمول بر موضوع نیازمند دلیل حسی است.

۲۵۳۲- وقتی به واقعیت یک شیء اذعان می کنیم،
(۱) یک مفهوم یگانه در ذهن ما پیدا می شود.

(۲) برای بیان درستی قضیه خود به دلیل حسی یا عقلی نیازمندیم.

(۳) یک تصور دوجزئی در ذهن ما ایجاد می شود.

(۴) یک مفهوم دوگانه در ذهن ما ایجاد می شود.

۲۵۳۳- با فرض این که مفهوم وجود، جزء مفهوم ماهیت باشد، کدام عبارت درست خواهد بود؟
(۱) امور خیالی واقعاً وجود خواهند داشت.

(۲) ماهیات مبهم و ناشناخته خواهند بود.

(۳) هیچ چیز واقعاً وجود نخواهد داشت.

(۴) همه ماهیات عین یکدیگرند.

۲۵۳۴- از نگاه یک فیلسوف، نسبت ماهیت به وجود، به کدام نسبت نزدیک تر است؟
(۱) جریان خون به رگها

(۲) معنا و لفظ یک واژه نسبت به یکدیگر

(۳) آب نمک نسبت به نمک محلول در آب

(۴) اکسیژن و هیدروژن تشکیل دهنده آب نسبت به یکدیگر

۲۵۳۵- اسناد هستی به یک چیز، به وسیله کدام مورد انجام می گیرد؟
(۱) جملات انشایی

(۲) پرسش از هستی

(۳) قضایایی با محمول موجود

(۴) استدلال و برهان

۲۵۳۶- کدام عبارت، برای اصل «زیادت وجود بر ماهیت» (به نحو ضمنی) استدلال اقامه می کند؟
(۱) مغایرت وجود و ماهیت، مورد اتفاق حکمای مسلمان است.

(۲) ماهیت های زیادی را می شود در نظر گرفت که موجود نیست.

(۳) به مجرد تصور یک ماهیت، آن ماهیت در ذهن وجود پیدا می کند.

(۴) ماهیت و وجود اشیا در ذهن از هم جدا می شوند و مغایرت می یابند.

(سراسری ۹۹)

۲۵۳۷- کدام عبارت بیانگر دلیل مغایرت مفهوم وجود با ماهیت است؟

- (۱) مفهوم وجود را می‌توان بر ماهیات حمل کرد.
- (۲) چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند.
- (۳) می‌توان ماهیاتی را تصور کرد که موجود نیستند.
- (۴) سلب وجود از ماهیت، در ذهن و در خارج امکان پذیر است.

(فارج از کشور ۹۹)

۲۵۳۸- در کدام گزاره، نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟

- (۱) زمستان سرد است.
- (۲) انسان فانی است.
- (۳) خدا جاودانه است.
- (۴) پلاتین فلز است.

(فارج از کشور ۱۴۰۲)

۲۵۳۹- کدام عبارت درست است؟

- (۱) هر چه فرض شود ضرورتاً دو حیثیت دارد: هستی و چیستی.
- (۲) از میان نسب اربع، نسبت میان ماهیت یک چیز با وجود همان چیز، تساوی است.
- (۳) اشاره کردن به چیزی، بدون این که به نوعی وجود آن را باور داشته باشیم، غیرممکن است.
- (۴) وقتی چیزی را واقعی می‌پنداریم و سپس می‌فهمیم وجود نداشته، یعنی ماهیتش را نشناخته‌ایم.

(سراسری ۱۴۰۲)

۲۵۴۰- اگر وجود جزء مفهوم ماهیت بود، آن گاه

- (۱) دو مفهوم از یک واقعیت قابل انتزاع نبود
- (۲) وجود و ماهیت عین هم بودند
- (۳) هیچ ماهیتی با ماهیت دیگر تفاوتی نداشت
- (۴) همه ماهیات واجب‌الوجود بودند

(سراسری ۱۴۰۳)

۲۵۴۱- حمل « 180° بر زوایای داخلی مثلث» با کدام حمل مناسبت بیشتری دارد؟

- (۱) قابل صدق و کذب بر قضیه
- (۲) راست‌قامت بر انسان
- (۳) اندیشنده بر انسان
- (۴) دانش بر تصدیق

(فارج از کشور ۱۴۰۳)

۲۵۴۲- حمل ناطق بر حیوان به کدام حمل شبیه است؟

- (۱) دانش بر تصور
- (۲) حساس بر حیوان
- (۳) کاذب بر قضیه
- (۴) جسمانی بر انسان

آزمون درس ۱

۲۵۴۳- کدام مورد از آثار «عین هم بودن ماهیت و وجود» و نیز «جزء ماهیت بودن وجود» است؟

- (۱) حمل وجود بر ماهیت ضروری و نیازمند به دلیل است.
- (۲) نمی‌توانیم بین اشیا تفاوت قائل شویم.
- (۳) هیچ چیز به وجود نمی‌آید و از بین نمی‌رود.
- (۴) تصور وجود برای فهم ماهیات کافی است.

۲۵۴۴- استفاده متفاوت و سریع یک نجار از ابزارهای مختلف نجاری، ضرورتاً مستلزم کدام گزینه است؟

- (۱) تجربه زیاد و مهارت نجار
- (۲) تفاوت عقلی بین ابزارها
- (۳) واقعی و قابل شناخت بودن ابزارها
- (۴) توجه به تمایز وجود و ماهیت در ذهن

۲۵۴۵- کدام گزینه در موضوع نسبت وجود و ماهیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) وقتی در مواجهه با یک حیوان می‌پرسیم «این چیست؟».
- (۲) وقتی صدای کسی را در راهرو می‌شنویم و می‌رویم تا ببینیم کیست.
- (۳) وقتی در جعبه تلفن همراه با قطعه‌ای روبه‌رو می‌شویم که تاکنون ندیده بودیم.
- (۴) وقتی تاکنون چیزی را واقعی می‌پنداشیم و امروز دانسته‌ایم آن چیز واقعی نیست.

۲۵۴۶- در کدام گزینه به تفاوت نگاه به اشیا در دو علم فلسفه و شیمی به درستی اشاره شده است؟

- (۱) از نظر فلسفه دو جزء اصلی شیء در واقعیت قابل جداسازی نیستند، ولی از نظر علم شیمی اجزای اصلی از یکدیگر قابل تفکیک‌اند.
- (۲) از نظر علم شیمی نگاه به اجزایی است که در واقعیت با هم ترکیب شده‌اند، ولی از نظر فلسفی نگاه به اجزای ترکیب‌شده در ذهن است.
- (۳) فلسفه به دو جنبه توجه می‌کند که خارج از ذهن متحدند و تفاوتشان ذهنی است، ولی شیمی اجزای جدایی‌پذیر خارجی را در نظر می‌گیرد.
- (۴) فلسفه، شیء واقعی را به دو جنبه خارجی و ذهنی تقسیم می‌کند ولی شیمی با جنبه ذهنی کاری ندارد و وجود خارجی را به اجزا تقسیم می‌کند.

۲۵۴۷- درباره موضوع و محمول گزاره «کنکور وجود دارد»، کدام گزینه درست است؟

- (۱) دو وجه ذهنی از یک واقعیت واحد هستند.
- (۲) دو مفهوم یکسان در خارج از ذهن هستند.
- (۳) دو مصداق مغایر با هم، در عالم واقع دارند.
- (۴) دو واقعیت‌اند که یکی منسوب به دیگری است.

۲۵۴۸- توجه به وجه اشتراک و اختلاف واقعیات، قدم چندم از قدم‌های درک هستی و چیستی است؟

- (۱) قدم اول
- (۲) قدم دوم
- (۳) قدم سوم
- (۴) قدم چهارم

۲۵۴۹- کدام حمل‌ها هر دو به دلیل نیاز دارند؟

- (۱) حمل قائم‌الزاویه بر مستطیل - حمل نویسنده بر انسان
- (۲) حمل متحرک با اراده بر خرگوش - حمل سه‌زاویه بر مثلث
- (۳) حمل جامد بر جسم - حمل حساس بر عروس دریایی
- (۴) حمل سفید بر برف - حمل سیاه بر مشکی

۲۵۵۰- کدام گزینه از دلایل مغایرت وجود و ماهیت است؟

- (۱) بعضی تصورات ما صرفاً خیال هستند.
- (۲) حمل شایع صنعتی ضروری نیست.
- (۳) جزء ماهیت‌بودن برای وجود به تناقض می‌انجامد.
- (۴) حمل ماهیت بر یک موجود ضرورت پیدا کرده است.

۲۵۵۱- کدام گزینه درباره تاریخچه بحث وجودشناسی درست است؟

- (۱) نیازمندی حمل وجود به دلیل، یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است که مقدمه مباحث جدیدی قرار گرفته است.
- (۲) بحث‌های ابن سینا درباره مغایرت وجود و ماهیت زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در اروپا شد و از این طریق آکوئیناس با دیدگاه او آشنا گردید.
- (۳) مکتب فلسفی تومیس که از سوی آکوئیناس با الهام از آرای ابن سینا درباره وجود و ماهیت پایه‌گذاری شد، تا قبل از دوره جدید در اروپا جریان داشت.
- (۴) اروپاییان در قرن ۱۳ میلادی فلسفه ارسطویی را فراموش کرده بودند و از طریق فلسفه‌ای که یکی از خودشان تأسیس کرده بود، دوباره با آن آشنا شدند.

۲۵۵۲- کدام گزینه درباره نسبت وجود و ماهیت درست است؟

- (۱) حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل عقلی محض است برخلاف حمل ماهیت بر خودش که اساساً استدلال‌پذیر نیست.
- (۲) ابن سینا به عنوان نخستین کسی که به این نسبت توجه کرد در نهایت وجود و ماهیت را دو واقعیت جداگانه ندانست.
- (۳) از نگاه فلسفی، تشکیل شدن یک شیء واقعی از دو جزء پذیرفته نیست و حتماً اشیا در خارج فاقد اجزای ترکیبی هستند.
- (۴) اگر ذاتیات یک شیء واقعی را شناسیم هم‌چنان می‌توانیم برخی جنبه‌های آن را درک کنیم و به واقعیت آن اشاره خارجی کنیم.

نکته: ممکن است در برخی تست‌ها «وجدان» را از جهت بی‌واسطه ادراک کردن، مصداق قلب هم بدانند، ولی در این تست کنکور چون با این فرض تست دوجوابه می‌شود، نباید آن را پذیرفت. ولی ممکن است در تست دیگری شرایط به‌عکس باشد و فقط در صورتی که وجدان را از احکام عقل ندانیم به پاسخ منحصره فرد برسیم. البته با توجه به پاسخ صحیح این تست کنکور، بهتر است اولاً وجدان را از احکام عقل در نظر بگیریم و تا ناچار نشده‌ایم، سراغ فرض قلبی بودن آن نرویم.

۲۴۱۰- گزینه ۱ از نظر فیلسوفان مسلمان، منشأ گرایش به نیکی و گریز از بدی، فطرت انسان است. توجه کنید که این فیلسوفان هیچ شناختی را (چه عقلی چه غیر عقلی) فطری نمی‌دانند لذا گرایش‌های اخلاقی از سنخ شناخت نیستند که از سوی ابزارهای شناخت از جمله عقل نظری درک شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ این که فضائل در جهت سلامت جامعه و خیر افراد است، منافاتی با دیدگاه فیلسوفان مسلمان ندارد، ولی این امور معیار تشخیص خوب و بد اخلاقی نیستند. ۳ تشخیص اخلاقیات از نگاه فیلسوفان مسلمان با عقل است و طبعاً عقل سالم و معتدل می‌تواند چنین تشخیصی داشته باشد. هم‌چنین شرط رسیدن به سعادت فردی و اجتماعی هم تشخیص اخلاقیات و عمل به فضایل و ترک رذایل است. در حقیقت، این‌ها دیدگاه افلاطون و ارسطو است که فیلسوفان مسلمان هم نظری نزدیک به آن‌ها داشتند. ۴ از نظر فیلسوفان مسلمان ما دو گونه گرایش داریم. یکی گرایش اخلاقی به فضائل و ترک رذائل و دیگری گرایش طبیعی به امیال مادی. گاهی که این دو با هم در تضاد قرار می‌گیرند، مانند دو کفه ترازو خواهند بود و ممکن است گرایش‌های طبیعی شدیدتر باشند و انسان را به سوی ترک فضائل و انجام رذائل سوق دهند. لذا برخی دیگر از انگیزه‌ها مثل انگیزه اطاعت از خداوند و دستیابی به پادشاهی و رهایی از عقوبت‌های او می‌توانند باعث سنگینی کفه تمایل به فضایل و ترک رذائل شوند.

توجه: در حقیقت گرایش‌های اخلاقی و گرایش‌های طبیعی می‌توانند گاهی به صورت دو کفه ترازو باشند، نه گرایش‌های اخلاقی به تنهایی، ولی در این گزینه برخی گرایش‌های طبیعی که در تضاد با گرایش به فضایل باشند هم گرایش اخلاقی دانسته شده‌اند؛ بنابراین با توجه به نادرستی ۱، این گزینه را باید با مسامحه درست در نظر بگیریم تا سؤال فقط یک پاسخ داشته باشد.

۲۴۱۱- گزینه ۳ اولاً این که اخلاق برای سعادت باشد، مورد تأیید کانت نیست. ثانیاً طبیعت‌گرایان تشخیص‌های اخلاقی را قراردادی و براساس تجربه می‌دانند و اخلاق را عامل سعادت نهایی و ابدی نمی‌دانند و منحصر به امور دنیوی می‌کنند.

بررسی سایر گزینه‌ها: همگی مورد تأیید همه فیلسوفان هستند، ولی از نظر طبیعت‌گرایان این امور مبنا و ملاک اخلاق هستند، ولی از نظر دیگران، این امور از نتایج و پیامدها و لوازم اخلاق هستند.

۲۴۱۲- گزینه ۲ عقلی بودن حسن و قبح اخلاقی و تعیین ملاک آن از سوی عقل، بین فیلسوفان یونانی و مسلمان و عقل‌گرایان اروپا عموماً مورد توافق است، اما طبیعت‌گرایان این امور را عقلی محض نمی‌دانند و معتقدند قراردادهای اجتماعی در ایجاد چنین هنجارهایی دخیل هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ و ۳ همگی مورد تأیید همه فیلسوفان هستند ولی از نظر طبیعت‌گرایان این امور مبنا و ملاک اخلاق هستند ولی از نظر دیگران این امور از نتایج و پیامدها و لوازم اخلاق هستند. ۴ یک مطلب فلسفی نیست که بین مکاتب اخلاقی مورد اختلاف باشد.

۲۴۱۳- گزینه ۴ بر پیروی از عقل تأکید کرده است و نتیجه آن را دوری از رذیلت «آز» (حرص و طمع) دانسته و از این نظر، بازتاب‌دهنده بخشی از نظریه افلاطون است. در بیت ۲ به طور کلی بدی (رذیلت) حاصل غفلت از خرد (عقل) دانسته شده است و نهی عقل از رذائل (ملاطمت عقل) مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین مناسب زیادی با دیدگاه اخلاقی افلاطون دارد، زیرا دیدگاه افلاطون این است که عقل فضیلت را تشخیص می‌دهد و اگر بر قوای وجودی انسان حاکم شود، انسان به فضیلت و در پی آن به سعادت خواهد رسید، اما اگر انسان از فرمان عقل سرپیچی کند گرفتار رذائل می‌شود و به شقاوت مبتلا خواهد شد.

بین ۲ و ۴، کلید اولیه سازمان سنجش ۴ را پاسخ گرفته بود. با این فرض که در بازبینی کلید، ۲ نیز به عنوان پاسخ دوم پذیرفته نشده باشد، شاید بتوان گفت که تعبیر «بعد آن» با دیدگاه افلاطون تعارض دارد، زیرا عقل «قبل از» انجام فعل نیز از رذیلت‌ها نهی می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ مربوط به عدالت اجتماعی و ظلم‌نکردن به مردم است در حالی که نظریه افلاطون متمرکز بر این نوع خاص از فضیلت و رذیلت نیست. ۳ تأثیر تبعیت از نفس بر سعادت انسان است ولی در نظریه افلاطون محوریت با اطاعت یا تمرد از عقل است و بحث اطاعت از نفس مطرح نیست.

۲۴۱۴- گزینه ۴ عمل کردن براساس وظیفه اخلاقی همان چیزی است که کانت آن را اطاعت صرف از وجدان اخلاقی می‌داند و معتقد است یک فضیلت اخلاقی باید این‌گونه باشد؛ یعنی نباید هیچ انگیزه دیگری مثل تحسین شدن، رسیدن به سعادت و ... داشته باشد (رد ۱).

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ اولاً کانت اخلاق را بدیهی عقلی و وجدانی می‌داند ولی فطری (مادرزادی) نمی‌داند. ثانیاً دیدگاه فطری بودن در کتاب درسی مربوط به شناخت اخلاقی نیست بلکه مربوط به حس اخلاقی و تمایل به فضائل است، اما کانت دلیل لزوم انجام فضائل را یک حس و گرایش صرف نمی‌داند بلکه یک شناخت درونی می‌داند که البته منجر به ایجاد گرایش هم می‌شود؛ بنابراین دیدگاه فطری بودن با دیدگاه کانت سازگاری زیادی ندارد. ۳ این دیدگاه تداعی‌گر نظر ارسطو است، نه کانت؛ بنابراین نسبت به ۴ با دیدگاه کانت سازگاری کم‌تری دارد.



برای دسترسی به پاسخ آزمون درس یازدهم کیوآرکد پشت جلد را اسکن کنید و بعد از ورود به لینک، شماره روبه‌رو را وارد کنید.

۲۴۲۵- گزینه ۳ فلسفه درباره وجود و مسائل پیرامون آن بحث می‌کند.

۲۴۲۶- گزینه ۳ برعکس این مطلب درست است؛ یعنی هستی، همان وجود و چیستی، همان ماهیت است.

۲۴۲۷- گزینه ۱ قدم اول این است که ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند (واقعیتی هست) و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.

۲۴۲۸- گزینه ۳ مباحث اصلی فلسفه مباحثی است که پیرامون وجود شکل می‌گیرد و بررسی ماهیت و چیستی اشیا بدون توجه به رابطه آن با وجود، از مسائل و مباحث اصلی فلسفی به حساب نمی‌آید، بلکه وظیفه سایر علوم است.

۲۴۲۹- گزینه ۳ استفاده از اشیا و موجودات پیرامونی، دربردارنده این پیام است که ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند.

۲۴۳۰- گزینه ۲ «واقعیت» یعنی «هستی»، «وجود»، «بودن»، «تحقق داشتن»، «منشأ اثر بودن»، «اصل داشتن»، «کائن بودن» و ...

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ و ۴ واقعیت، از جنس افعال و حوادث نیست. ۳ گاهی حقیقت مترادف با واقعیت می‌گیرند و گاهی مترادف با درک مطابق با واقعیت، اما در این گزینه «درک حقیقت» مطرح شده است که حتماً امری ذهنی و شناختی است و با خود واقعیت خارج از ذهن فرق دارد.

۲۴۳۱- گزینه ۳ این رفتار طبیعی همه انسان‌ها، بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم یعنی قبول داریم که مثلاً آب واقعاً هست و می‌توان با دست خود آن را برداشت و از آن استفاده نمود.

۱ برای امکان استفاده از چیزی، فقط واقعی بودن کافی نیست، علاوه بر آن باید نسبت به واقعیت شناخت هم داشته باشیم؛ پس این امر لازم است ولی کافی نیست. ۲ این دو اصل بدیهی و بی‌نیاز از اثبات و حتی غیر قابل اثبات هستند؛ بنابراین رفتار انسان تنها تأییدکننده و شاهد صدق آن‌هاست، نه اثبات آن‌ها. ۴ رفع نیازها، هم براساس واقعی بودن امور برطرف‌کننده نیازها و هم براساس شناخت ما از آن امور است؛ یعنی برای استفاده از چیزی باید آن چیز واقعی باشد و ما هم نسبت به آن شناخت داشته باشیم.

۲۴۳۲- گزینه ۲ قدم اول این است که واقعیت‌هایی هست و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم؛ یعنی اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت. این دو اصل بدیهی هستند و برای پذیرش آن‌ها نیاز به اثبات نداریم، بلکه اثبات آن‌ها محال و ناممکن است (رد ۳).

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ مربوط به قدم دوم می‌شود. ۴ اصل امکان شناخت یک بخش از قدم اول است. بخش دیگر قبول اصل واقعیت است که در این گزینه به آن اشاره نشده است.

۲۴۳۳- گزینه ۱ تا قدم اول از قدم‌های شناخت هستی و چیستی و نسبت میان آن دو را نپذیریم، نمی‌توانیم به قدم دوم برویم و به دو مفهوم هستی و چیستی توجه کنیم. قدم اول یعنی اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ واقعی دانستن جهان هستی لازم است، نه جهان طبیعت. ۳ بحث اصالت وجود بعد از پذیرش مغایرت وجود و ماهیت مطرح می‌شود و در درس ۱۱ از آن بحث خواهیم کرد. ۴ پذیرش رفتارهای طبیعی انسان، موضوعیتی ندارد و فقط یک نشانه برای پذیرفته بودن اصل واقعیت و اصل امکان شناخت است. حتی اگر این رفتارها را نپذیریم هم می‌توان نشانه‌های دیگری پیدا کرد یا این دو اصل بدیهی را بدون ذکر نشانه پذیرفت.

نظرات مختلفی میان دانشمندان وجود دارد. ۴ مانند بسیاری از اموری است که تا حدود زیادی چستی آن‌ها را می‌شناسیم و از هستی‌شان نیز آگاهییم.

۲۴۴۷-گزینه ۱» ماهیت وجود، تنها در ذهن و از جهت مفهوم با یکدیگر متفاوت‌اند.

۲۴۴۸-گزینه ۳» تفاوت وجود و ماهیت سیب امری است که در ذهن رخ می‌دهد. این تفاوت از نظر مفهوم وجود و ماهیت است. البته نمی‌توان گفت این تفاوت به واقعیت مربوط نیست، زیرا منشأ آثار واقعی متفاوت است ولی چنین نیست که در واقعیت دو امر جداگانه به نام‌های وجود و ماهیت داشته باشیم؛ پس تفاوت وجود و ماهیت، ذهنی است و در عین حال، نتایج واقعی متفاوتی به بار می‌آورد.

۲۴۴۹-گزینه ۳» در این قضایا موضوع، همان ماهیت (چستی) است و محمول، وجود (هستی) است. ماهیت میان اشیا متفاوت اما وجود، مشترک است.

۲۴۵۰-گزینه ۲» وقتی می‌گوییم «هستی» و «چستی» دو جنبه از یک چیز هستند، به این معنا نیست که دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب و جمع شده‌اند (مانند اکسیژن و هیدروژن)، بلکه به این معناست که «هستی» و «چستی» در ذهن و از جهت مفهوم با یکدیگر متفاوت‌اند.

۲۴۵۱-گزینه ۲» امر واحد خارج از ذهن، در ذهن با دو مفهوم کاملاً متمایز، یعنی وجود و ماهیت فهمیده می‌شود.

۲۴۵۲-گزینه ۳» عبارات (الف) و (پ) صحیح‌اند، اما عبارت (ب) نادرست است، زیرا ماهیت وجود در ذهن متفاوت هستند و عبارت (ت) نیز نادرست است، زیرا تصور خیالی حتماً چستی دارد و الا نمی‌شد آن را در عالم خیال تصور کرد. توجه کنید که در فلسفه مقصود از عالم خیال، اموری شبیه محسوسات هستند که واقعیت خارجی ندارند؛ مثل غول، سیمرغ و دریای جیوه یا خاطرات گذشته انسان از حوادث طبیعی.

۲۴۵۳-گزینه ۱» بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ از هستی و چستی «صنوبر» باخبریم. ۳ از هستی و چستی هر سه مورد ذکر شده در این گزینه باخبریم. ۴ ماشین برقی و فضاپیما هستی و چستی‌شان برای ما روشن است؛ وجود خدا نیز قطعی است.

۲۴۵۴-گزینه ۳» هستی و چستی در عالم خارج (واقعیت) عین هم و در عالم ذهن متفاوت با هم هستند.

۴ چستی به خودی خود آثاری ندارد، ولی هستی منشأ اثر است.

۲۴۵۵-گزینه ۴» می‌شود از هر کدام از این دو مفهوم آگاه بود یا در هر کدام تردید داشت. مثلاً «هستی» و «چستی» انسان را می‌شناسیم. از طرفی «هستی» موجودی که لای شمشادها سروصدا می‌کند، ولی دیده نمی‌شود، یقینی است ولی «چستی» آن مشکوک است (گریه است یا موش یا ...). از طرف دیگر چستی حیات در سایر سیاره‌ها معنای روشنی دارد ولی در هستی آن تردید داریم. ۳ آن‌چه بدیهی است مفهوم عام «هستی» و «چستی» است، نه «هستی» و «چستی» یک موجود خاص.

۲۴۵۶-گزینه ۲» ماهیت‌هایی همچون «انسان ده چشم» که در ذهن حاضرند، اما در خارج موجود نمی‌باشند، دلیلی بر مغایرت وجود و ماهیت هستند، زیرا اگر وجود و ماهیت مغایرت نمی‌داشتند، هر ماهیتی که در ذهن حاضر می‌شد باید در خارج نیز وجود می‌یافت.

۲۴۵۷-گزینه ۲» حمل «الف» بر «ب» یعنی «ب الف است». حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» مانند حمل «سه ضلعی» بر «مثلث» حمل اولی ذاتی و بی‌نیاز از دلیل محسوب می‌شود. حمل در هر سه گزینه دیگر حمل غیرذاتی و نیازمند دلیل است.

۲۴۵۸-گزینه ۱» چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات انسان است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان»، حمل چستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.

۲۴۵۹-گزینه ۳» حمل «فلز مایع» بر «جیوه» نیازمند دلیل نیست، زیرا تعریف حقیقی جیوه بر آن حمل شده است، اما حمل «هستی» بر «چستی» نیازمند دلیل است. این دلیل می‌تواند حسی (تجربی) یا عقلی محض باشد.

۲۴۶۰-گزینه ۳» زیرا «چستی» و «هستی» دو مفهوم جدا هستند و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست. ۱ و ۴ در این دو فرض محال، حمل هستی نیازمند دلیل نخواهد بود.

۲۴۶۱-گزینه ۴» در گزاره «انسان موجود است» محمول، «هستی» است که برای حمل آن بر موضوع (ماهیت) نیازمند دلیل هستیم، اما دلیل می‌تواند حسی (تجربی) یا عقلی محض باشد.

۲۴۶۲-گزینه ۱» تعریف حقیقی هر چیز در واقع، ذکر چستی و ذاتیات همان چیز است، بنابراین نیازی به دلیل ندارد.

۲۴۶۳-گزینه ۳» ماهیت مثلث «شکل سه ضلعی» است؛ بنابراین نسبت‌دادن این ویژگی‌ها به مثلث نیازمند دلیل نیست، اما زاویه‌داشتن اگرچه برای مثلث ضروری است ولی چون جزء ذاتیات آن نیست پس نیاز به دلیل دارد.

۲۴۳۴-گزینه ۳» انسان به این دلیل با امور واقعی متفاوت از امور غیرواقعی رفتار می‌کند که تنها واقعیات را منشأ اثر می‌داند و معتقد است امور غیرواقعی نمی‌توانند اثری بر زندگی او داشته باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ اصل واقعیت و اصل امکان شناخت بدیهی‌اند و قابل اثبات نیستند. ۲ توجه به تمایز هستی و چستی یک بحث فلسفی است که لزوماً همه انسان‌ها به آن توجه نمی‌کنند، در حالی که رفتار متفاوت با واقعیات را همه انجام می‌دهند. ۴ بحث «اصل بودن واقعیت» نیز یک بحث فلسفی است که لازمه رفتار طبیعی انسان نیست و در درس ۱۱ مطرح خواهد شد.

۲۴۳۵-گزینه ۱» آن‌چه در میان موجودات مشترک است ← وجود (هستی) آن‌چه در میان موجودات متفاوت است. ← ماهیت (چستی)

۲۴۳۶-گزینه ۱» کودک با استفاده از کلمه «این» و «آن» نشان می‌دهد که به وجود موجودات پی برده است و می‌داند که آن‌ها موجودند، اما از ماهیت و چستی هر یک از آن‌ها آگاه نیست.

۲۴۳۷-گزینه ۲» قضیه اول در پاسخ از «چستی» اشیا می‌آید که در واقع، اشاره به ماهیت دارد و قضیه دوم در پاسخ سؤال از «هستی» (وجود) می‌آید.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ همه قضایا ساخته ذهن انسان هستند، ولی برخی درباره واقعیت خارجی خبر می‌دهند و برخی راجع به واقعیات نیستند. ۳ محتوای دو قضیه از یک سنخ نیستند که با هم مقایسه شوند. ۴ حتی اگر هیچ درخت صنوبری وجود نداشته باشد، باز صنوبر نوعی درخت است. پس اگر قضیه دوم صحیح نباشد، نه تنها قضیه اول بامعنا است بلکه معنای صادقی هم دارد.

۲۴۳۸-گزینه ۴» ویژگی‌های مخصوص موجودات را در منطق و فلسفه، ذاتیات یک شیء هم می‌گویند به عبارت دیگر، ماهیت و چستی هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ چستی یک شیء بیان ذاتیات آن شیء است نه همه اوصاف عرضی آن. ۲ وجود مغایر با ماهیت است نه جزء آن. ۳ ماهیت وجه اختصاصی یک دسته از موجودات است، مثلاً ماهیت من و شما «انسان» است و با ماهیت «گریه» متفاوت است، اما من و شما دو موجود هستیم که ماهیتمان یکی است.

۲۴۳۹-گزینه ۳» کودکان معمولاً اول متوجه وجود اشیا پیرامون می‌شوند و سپس می‌پرسند: «این چیست؟» اشاره با لفظ «این» بیانگر درک وجود است و سؤال از چستی بیانگر به دنبال درک ماهیت بودن است. بزرگسالان هم از این قاعده مستثنی نیستند. همه ما اغلب اوقات ابتدا متوجه وجود اشیا پیرامونمان می‌شویم و سپس در پی تحقیق درباره چستی آن‌ها برمی‌آییم.

۲۴۴۰-گزینه ۲» وقتی با لفظ «این» یا «آن» به چیزی اشاره می‌کنیم؛ یعنی به وجود آن پی برده‌ایم و وقتی می‌گوییم «چستی؟»، یعنی ماهیت آن برای ما مجهول است.

۲۴۴۱-گزینه ۱» پلنگ سیاه و پلنگ صورتی هر دو در چستی مشترک هستند (هر دو پلنگ‌اند)، ولی پلنگ سیاه وجود دارد، در حالی که پلنگ صورتی واقعی نیست؛ پس در هستی مختلف‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ و ۳ در چستی مختلف و در هستی مشترک‌اند. ۴ در هر دو مختلف‌اند.

۲۴۴۲-گزینه ۲» ماهیت وجود دو جزء یا دو بخش یا دو مصداق چیزی نیستند، بلکه دو جنبه یا دو وجه یا دو حیثیت موجودات هستند.

۲۴۴۳-گزینه ۳» محمول این گزینه از سنخ ماهیت است، ولی محمول سایر گزینه‌ها «وجود» است.

۲۴۴۴-گزینه ۱» واقعیت یا هستی یا وجود منشأ همه آثار هستند ولی این‌که آثار چه باشند، از روی ماهیت یا چستی مشخص می‌شود.

۲۴۴۵-گزینه ۲» موارد (پ) و (ث)، توصیفات صحیح فلسفی از آب محسوب می‌شوند. بررسی سایر گزینه‌ها: الف از نگاه فلسفه آب یک موجود واحد و غیر مرکب است. ب «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد است. ت توصیفی صحیح از نگاه علم شیمی است نه از نگاه فلسفی.

۲۴۴۶-گزینه ۳» بررسی گزینه‌ها: ۱ چستی اشکال هندسی برای ما روشن است اما به همین دقت از هستی‌شان مطلع نیستیم، زیرا شکل‌ها مقادیر پیوسته‌ای هستند که جایگاه اصلی آن‌ها به طور معمول ذهن انسان در نظر گرفته می‌شود. با این حال برخی فیلسوفان جایگاهی واقعی در خارج از ذهن برای این امور قائل هستند، مانند عالم مثل یا عالم مثال مفارق. ۲ چستی آن را می‌توانیم در ذهن خود حاضر کنیم اما می‌دانیم حداقل تاکنون وجود نداشته است. ۳ از وجود و هستی نور مطلعیم اما به‌طور دقیق درباره چستی حقیقت نور آگاه نیستیم و در این مورد

۲۴۶۴- گزینه ۳ شکل سه ضلعی همان حقیقت و ذات مثلث است؛ بنابراین موضوع و محمول تفاوت مفهومی با یکدیگر ندارند (رد ۱ و ۴) اما در «مثلث»، به ذاتیات اشاره نشده است ولی در «شکل سه ضلعی»، ذاتیات مثلث هم مشخص شده‌اند (رد ۲) به تعبیر دیگر تفاوت «مثلث» و «شکل سه ضلعی» صرفاً در اجمال و گستردگی مفهومی است. (هرچند خود این عبارت از کتاب درسی حذف شده است، اما هنوز مفهوم این عبارت از متن کتاب قابل برداشت است.)

۲۴۶۵- گزینه ۴ قضایای (الف) و (ت) که همواره نیاز به دلیل ندارند. قضایای (ب) و (پ) هم با فرض یکی بودن هستی و چستی اشیا، نیاز به دلیل ندارند. **توجه ۱** فرض این سؤال «عینیت» وجود و ماهیت است. **توجه ۲** فرض محال موجب نمی‌شود، امر محال، ممکن شود. فرض محال فقط در مقام فرض قابلیت مطرح شدن دارد و هم‌چنان در مقام واقعیت محال است.

۲۴۶۶- گزینه ۲ حمل وجود بر هر چستی (ماهیت)، نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض. (البته در فلسفه یازدهم با شهود نیز به عنوان منبع شناخت آشنا شدید، اما در این‌جا مورد اشاره کتاب قرار نگرفته است.)

۲۴۶۷- گزینه ۳ مغایرت وجود و ماهیت نشان می‌دهد که وجود و ماهیت، دو حیثیت متفاوت از یک شیء هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ مغایرت وجود و ماهیت در ذهن و از لحاظ مفهوم است، نه آن‌که دو موجود جداگانه باشند. ۲ رابطه وجود و ماهیت همچون رابطه مجموعه و زیرمجموعه نیست. ۴ مغایرت وجود و ماهیت نشان می‌دهد حمل وجود بر ماهیت ضروری نیست نه برعکس.

۲۴۶۸- گزینه ۲ در قضیه «انسان موجود است»، حمل شایع صناعی صورت گرفته است یعنی مفهوم محمول غیر از موضوع است و حمل آن نیاز به دلیل دارد. در عبارت ۲ نیز محمول غیر از موضوع است و برای نسبت دادن محمول به موضوع نیاز به دلیل داریم، اما در گزینه‌های دیگر محمول و موضوع یکی هستند و برای حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل نیست.

۲۴۶۹- گزینه ۱ نسبت دادن یا حمل مفهوم فیلسوف بر ملاصدرا در عبارت «ملاصدرا فیلسوف است.» نیازمند دلیل است، چون فیلسوف از اجزای تعریفی ملاصدرا نیست (ذاتی ملاصدرا نیست) پس حمل آن به دلیل نیاز دارد.

در سایر گزینه‌ها چون مفهوم مایع برای آب، پستاندار برای سگ و متوازی‌الاضلاع برای مستطیل، ویژگی ذاتی به حساب می‌آیند، حمل آن‌ها بی‌نیاز از دلیل است. دقت کنید که متوازی‌الاضلاع به هر شکلی گفته می‌شود که اضلاع آن با یکدیگر موازی باشند. (البته این‌که «متوازی‌الاضلاع» جزء تعریف حقیقی مستطیل باشد یا «پستاندار» جزء تعریف حقیقی سگ باشد، موضوعی مورد اختلاف است زیرا در تقسیمات ارسطویی ذاتی محسوب نمی‌شده ولی مطابق تعاریف ریاضیدانان و زیست‌شناسان جدید، ذاتی به حساب می‌آیند، ولی چون ۱ به وضوح پاسخ این سؤال بود، متوجه می‌شویم که طراح تقسیمات جدید را مورد نظر قرار داده است.)

۲۴۷۰- گزینه ۴ مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداس و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ واقعیت همان هستی است، لذا از نظر مفهومی، از هستی جداسدنی نیست. ۲ و ۳ هر دو محمول جزئی از ماهیت موضوع هستند و از آن جدایی‌ناپذیرند. (البته ذاتی بودن پستاندار می‌تواند مورد اختلاف باشد ولی چون ۴ پاسخ قطعی و بدون اختلاف است، پستاندار را ذاتی در نظر می‌گیریم.)

۲۴۷۱- گزینه ۱ اگر عینیت وجود و ماهیت برقرار باشد، تعریف هر چیزی فقط «وجود» خواهد بود (مثلاً اسب یعنی وجود، مداد یعنی وجود، سیب یعنی وجود و ...) و دیگر تفاوتی میان وجود و هیچ ماهیتی نیست و همه ماهیات عین وجود می‌شوند؛ بنابراین چون مفهوم وجود بین همه موجودات مشترک است پس مفهوم ماهیات هم مشترک خواهند شد و تفاوتی با هم نخواهند داشت.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ اگر مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، بنابراین این دو مفهوم از یکدیگر جدایی‌ناپذیر می‌شوند و حمل آن‌ها بر یکدیگر ضروری خواهد بود. ۳ اگر مغایرت ذهنی وجود و ماهیت برقرار باشد حمل محمول وجود بر موضوعی که ماهیت باشد، ضروری نیست، اما می‌تواند امکانی یا امتناعی باشد. ۴ دوگانگی وجود و ماهیت یا همان تمایز آن‌ها تنها در ذهن و از لحاظ مفهوم است، ولی از نظر مصداق، یکسان هستند.

۲۴۷۲- گزینه ۳ محمول همه گزینه‌ها ویژگی‌هایی را به موضوع نسبت می‌دهند که جزء تعریف موضوع است. غیر از ۳ که «لزوم رسیدن نور» را نسبت داده است و این چیزی نیست که در تعریف نبات (جسم رشدکننده) وجود داشته باشد؛ بنابراین این ویژگی نیاز به دلیل دارد و ضروری نیست. توجه کنید که «حساس» قطعاً ذاتی حیوان

است ولی «دارای حرکت ارادی» هم در برخی کتاب‌های منطقی به عنوان ویژگی ذاتی حیوان مطرح شده است. اگرچه در کتاب درسی نسبت به این امر سکوت شده است ولی این احتمال وجود دارد در تست‌ها مورد نظر طراح باشد.

۲۴۷۳- گزینه ۱ در فرض عینیت ماهیت با وجود، هر چه تصور کنیم موجود نمی‌شود بلکه هر چه تصور کنیم، از قبل موجود بوده است زیرا ذاتیات دانی و گرفتگی نیستند؛ پس وقتی «وجود» عین ذات یا جزء ذاتیات شد، دیگر نمی‌توان چیزی را به وجود آورد. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲ در حمل اولی ذاتی، موضوع و محمول، مفهوم یکسان دارند. وقتی همه ماهیات عین وجود باشند، پس مفهوم همه یکسان می‌شود. ۳ هر تغییری مستلزم از بین رفتن حالت قبلی و به وجود آمدن حالت جدید است، اما در فرض عینیت ماهیت با وجود، «وجود» ذاتی هر حالتی می‌شود و چون ذاتیات را نمی‌توان گرفت یا داد؛ پس نمی‌توان وجود را از هیچ چیزی گرفت یا به چیزی داد. به عبارت دیگر نه چیزی به وجود می‌آید و نه چیزی از بین می‌رود و نتیجه این است که حالت قبلی هیچ چیزی هم از بین رفتنی نخواهد بود و حالت جدیدی هم قابل ایجاد نخواهد بود؛ پس تغییر و حرکت محال خواهد شد. ۴ در این صورت وجود هیچ چیزی دلیل نمی‌خواهد، زیرا هر چیزی ماهیتی دارد و ماهیت عین وجود است؛ پس تحقیق کردن برای کشف وجود بیهوده خواهد بود.

۲۴۷۴- گزینه ۳ حمل خود یک مفهوم یا تعریف حقیقی‌اش یا اجزای تعریف حقیقی‌اش بر آن بی‌نیاز از دلیل است و سایر حمل‌ها به دلیل نیاز دارد. این‌که زمین دارای جاذبه است، یک حمل نیازمند دلیل است، زیرا در تعریف «زمین» از مفهوم «دارای جاذبه بودن» استفاده نشده است؛ بنابراین باید در گزینه‌ها به دنبال حمل نیازمند به دلیل باشیم.

بررسی گزینه‌ها: ۱ بی‌نیاز از دلیل است زیرا تعریف جسم، «شیء (جوهر) ممتد در سه بُعد است» (ممتد یعنی دارای امتداد و کشیدگی). بی‌نیاز از دلیل است زیرا دقیقاً تعریف دانش فلسفه را به فلسفه نسبت داده است. ۲ به دلیل نیاز دارد زیرا محمول، جزء تعریف آب نیست. تعریف آب، مایع بی‌رنگ، بی‌بو و بی‌مزه است و دلیل شورنبودن آب این است که اگر شور بود، بامزه می‌شد و این با تعریف آب سازگار نیست. ۴ بی‌نیاز از دلیل است زیرا «وجود» مفهومی بدیهی است و با آن مفهوم «عدم» یا «نیستی» را تعریف می‌کنند، به این شکل که «نیستی همان نبود وجود است»؛ بنابراین سلب موجودیت از «نیستی» (یعنی اینکه «نیستی نیست» یا «عدم، وجود ندارد») جزء ذاتیات آن است و نیاز به دلیل ندارد.

۲۴۷۵- گزینه ۴ منظور از ذاتی، بی‌نیاز از دلیل و منظور از غیرذاتی، نیازمند به دلیل است. همچنین توجه کنید که اعداد و اشکال و احجام هندسی، جسم نیستند بلکه مقدار یا کمیت هستند و در فلسفه مقدار یا کمیت امری ذهنی و غیرمادی است و ویژگی‌های مواد یا اجسام را ندارد. البته اعداد مقدارهای گسسته یا منفصل هستند و اشکال و احجام هندسی مقدارهای پیوسته یا متصل‌اند (همچنین همه این مقدارها ثابت‌اند و تنها مقدار غیرثابت، زمان است که البته تعریف زمان در تست‌ها نمی‌آید).

بررسی گزینه‌ها: ۱ قسمت اول: غیرذاتی است، زیرا جزء ذات مکعب نیست ولی به این دلیل که مکعب مقدار است و جسم نیست و فقط اجسام رنگ‌پذیر هستند، اثبات می‌شود. قسمت دوم: ذاتی گل رز است، زیرا همه گیاهان جسم نامی غیرحساس هستند. ۲ قسمت اول: ذاتی است، زیرا اعداد همگی مقدارهای ثابت گسسته هستند. قسمت دوم: غیرذاتی است، زیرا گردبودن جزء تعریف کره نیست. تعریف کره مجموعه نقاطی از فضا است که از یک نقطه ثابت به یک فاصله ثابت‌اند. ۳ غیرذاتی است، زیرا هر یک مقدار پیوسته ثابت است و جسم نیست که در سه بُعد امتداد داشته باشد؛ پس گزاره اول اساساً نادرست است و طبعاً غیرذاتی هم هست. قسمت دوم: ذاتی است، زیرا تعریف مربع می‌شود: مستطیل لوزی (چهارضلعی با زوایای قائمه و اضلاع برابر). ۴ ذاتی است، زیرا تعریف «تصور» دانش بدون حکم است. قسمت دوم: ذاتی است، زیرا تعریف آب می‌شود: مایع بی‌رنگ، بی‌بو و بی‌مزه.

۲۴۷۶- گزینه ۱ در فرض جزء ماهیت بودن وجود، هر ماهیتی از وجود و یک جزء ماهوی دیگر درست خواهد شد و آن جزء ماهوی چون خودش یک ماهیت است، طبق فرض از وجود و یک جزء ماهوی دیگر درست می‌شود و باز آن جزء ماهوی هم به همین شکل از وجودهای دیگر و اجزای ماهوی دیگر درست می‌شوند و این سلسله تا بی‌نهایت پیش می‌رود؛ بنابراین هیچ ماهیتی وحدت نخواهد داشت بلکه معادل بی‌نهایت موجود خواهد شد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ در هر دو فرض جزئیت وجود برای ماهیت یا عینیت آن با ماهیت، هیچ علت و معلولی وجو نخواهد داشت، زیرا علت یعنی به‌وجودآوردن و وقتی وجود ذاتی همه چیز باشد، همه چیز از ازل تا ابد موجود خواهد بود و دیگر هیچ چیز قابل به وجود آوردن نخواهد بود. ۳ و ۴ هر دو از تالی فاسدهای (نتایج محال) هر دو فرض هستند.

۲۴۹۱- گزینه ۲: بررسی گزینه‌ها: ۱، ۳ و ۴ همگی نیازمند دلیل هستند، چون «فانی بودن»، «راست‌قامت بودن» و «موجود بودن» هیچ کدام ماهیت و ذات انسان نیستند و جزئی از ماهیت انسان هم نیستند. ۲ نیازمند دلیل نیست. «جسم نامی حساس» همان «حیوان» است؛ پس ۷ در اصل همان «انسان، حیوان ناطق است» می‌باشد که «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چپستی او را تشکیل می‌دهند.

۲۴۹۲- گزینه ۳: قدم نخست برای شناخت «هستی» و «چیستی» و نسبت میان آن‌ها، قبول اصل واقعیت مستقل از ذهن است؛ یعنی این که بپذیریم واقعیت‌هایی در پیرامون ما وجود دارد و میان واقعیت و عدم واقعیت تفاوت است.

۲۴۹۳- گزینه ۱: اصل وجود همان واقعیت عام است که اثبات‌نشدنی و انکارنشدنی است، ولی وجود یک امر خاص نیاز به دلیل دارد. مثلاً وجود «جن» نیاز به دلیل دارد و انکارپذیر است (رد سایر گزینه‌ها).

۲۴۹۴- گزینه ۲: وقتی مفهومی را دقیق تعریف می‌کنیم ماهیت آن برایمان مجهول نیست (رد ۱ و ۴). ولی ممکن است در وجود آن تردید داشته باشیم. مثل «الکترون ذره‌ای» که امروزه در وجود آن تردید شده است و به جای آن «الکترون موجی» مطرح گردیده است (رد ۳).

۲۴۹۵- گزینه ۱: مغایرت وجود و ماهیت پایه برهان وجوب و امکان این سینا بود که آکوئیناس هم آن را در اروپا ترویج داد.

۲۴۹۶- گزینه ۴: در این سؤال باید به دنبال گزینه‌ای باشیم که عبارت اول ما را به عبارت دوم راهنمایی می‌کند.

بررسی گزینه‌ها: ۱ این که «حیوان ناطق» همان ذات انسان است نشان می‌دهد «حمل «حیوان ناطق» بر انسان حمل بی‌نیاز از دلیل است و مانند حمل «مخلوق» بر «انسان» که نیازمند دلیل است، نمی‌باشد. ۲ پرسش از چپستی یک چیز نشان می‌دهد به وجود آن علم داریم اما چپستی‌اش را نمی‌دانیم. ۳ عدم برقراری رابطه ذاتی میان «وجود» و «انسان» نشان می‌دهد «حمل «وجود» بر «انسان» نیازمند دلیل است اما این دلیل می‌تواند حسی یا عقلی محض باشد؛ بنابراین منحصر در دلیل عقلی نیست. ۴ اعمال و رفتارهای طبیعی انسان، از جمله مورد ذکرشده، نشان می‌دهد چیزهایی که پیرامون خود می‌بینیم را واقعی می‌دانیم و برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

۲۴۹۷- گزینه ۳: ماهیت و وجود، در ذهن، هرگز با یکدیگر یکی نیستند و هیچ‌گاه یکی جزء دیگری نیست، بلکه دو مفهوم کاملاً متمایز هستند.

۲۴۹۸- گزینه ۱: وجود و ماهیت، از مفاهیم پرکاربرد بین انسان‌ها هستند که جزء مباحث اولیه فلسفه به شمار می‌روند و برای شناخت وجود و ماهیت و نسبت بین آن‌ها باید چهار گام برداشت:

۱. موجود یا موجوداتی در جهان هستند (پذیرش واقعیت) که به آن‌ها علم داریم و می‌توانیم از آن‌ها برای رفع نیازها استفاده کنیم. ۲. وجود و هستی جنبه مشترک موجودات و ماهیت و چپستی، بعد اختصاصی آن‌هاست. ۳. هر چند وجود و ماهیت در جهان خارج یکی‌اند ولی در ذهن، دو مفهوم هستند: مغایرت ذهنی وجود و ماهیت. ۴. این که هر موضوعی (ماهیتی) برای وجودداشتن نیازمند دلیل و استدلال است، نشانه‌ای از مغایرت وجود و ماهیت است.

۲۴۹۹- گزینه ۴: جیوه به صورت «فلزی که در دمای اتاق مایع است» تعریف شده؛ بنابراین حمل مایع بر جیوه، بی‌نیاز از دلیل است، چراکه «مایع» جزئی از تعریف «جیوه» است، اما حمل «جیوه» بر «مایع» (مایع، جیوه است) به دلیل نیاز دارد، چراکه به‌جز جیوه چیزهای دیگر مثل آب هم مایع هستند.

بررسی گزینه‌ها: ۱ شکل، ذاتی دایره است و این حمل، بی‌نیاز از دلیل است. ۲ و ۳ انسان، همان بشر است و مجرد نیز همان غیرمادی است؛ پس هر دو حمل، بی‌نیاز از دلیل‌اند، چراکه یک چیز بر مترادف خودش حمل شده است. ۴ هر مربعی مستطیل است، اما هر مستطیلی مربع نیست؛ پس حمل مربع بر مستطیل، نیازمند دلیل است.

۲۵۰۰- گزینه ۱: تنها اگر وجود، جزء ماهیت و یا عین ماهیت بود، رابطه ذاتی بین این دو برقرار می‌شد و در آن صورت، حمل وجود بر ماهیت، بی‌نیاز از دلیل بود. به تعبیر دیگر می‌دانستیم که هر ماهیتی موجود است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ وجود و ماهیت، دو جنبه از یک واقعیت واحد هستند، نه این که با یکدیگر ترکیب شوند و واقعیت را به وجود بیاورد. ۳ اصل حمل‌شدن بر یکدیگر، متفاوت بودن مفهوم موضوع و محمول را نشان نمی‌دهد، چنان‌چه می‌گوییم «انسان بشر است» و با وجود این که مفهوم این دو، یکی است، آن‌ها را بر یکدیگر حمل می‌کنیم، بلکه آن‌چه تفاوت و تمایز دو مفهوم و نداشتن رابطه ذاتی با یکدیگر را نشان می‌دهد، این است که حمل وجود بر ماهیت به دلیل نیاز دارد.

۲۴۷۷- گزینه ۴: تأثیر بحث «مغایرت وجود و ماهیت» این سینا بر مباحث جدید به گونه‌ای بود که برخی گفته‌اند: «فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است».

۲۴۷۸- گزینه ۳: بحث مغایرت وجود و ماهیت پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات خداوند (مبدأ هستی) است که برهان «وجوب و امکان» نام دارد.

۲۴۷۹- گزینه ۲: بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ پیشینیان ابن سینا هم به این بحث توجه داشتند، ولی او توجه ویژه‌ای به آن داشت که ثمرات فلسفی فراوانی به جا گذاشت. ۲ ابن سینا این بحث را در برهان «وجوب و امکان» به کار می‌گیرد. ۴ این بحث که از سوی آکوئیناس در اروپا مطرح شد، موجب مناقشات فراوانی در آن‌جا شد.

۲۴۸۰- گزینه ۲: بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ مکتب فلسفی «تومیس» هنوز به نام او در جریان است. ۲ فلسفه ابن سینا مورد توجه و استفاده توماس آکوئیناس بود نه برعکس. ۴ آکوئیناس پیش از ملاصدرا بوده است و نمی‌تواند فلسفه‌اش بر نظرات ملاصدرا متکی باشد.

۲۴۸۱- گزینه ۳: توجه ویژه ابن سینا به بحث مغایرت ذهنی هستی و چپستی، مبدأ گفت‌وگوهای فراوان بین فیلسوفان شده است و منجر به پایه‌ریزی مکتب فلسفه «تومیس» توسط آکوئیناس شد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ آکوئیناس در بحث مغایرت وجود و ماهیت و اثبات وجود خدا براساس آن، تابع و پیرو ابن سینا بود و مستقل از او نبود. ۲ آکوئیناس مانند ابن سینا و با تبعیت از او بحث مغایرت وجود و ماهیت (نه ذات و ماهیت) را پایه برهان‌اش برای اثبات وجود خدا قرار داد. ۴ مغایرت ذهنی هستی و چپستی، پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا در اثبات وجود خدا (نه ضرورت وجود خدا) بوده است (با تفاوت «وجود خدا» و «ضرورت وجود خدا» در درس ۵ بیشتر آشنا خواهید شد).

۲۴۸۲- گزینه ۴: ابن سینا به بحث «تفکیک مفهوم وجود و ماهیت» توجه ویژه کرد (رد ۱)، ولی این به معنای این نبود که پیشینیان به این مطلب اصلاً توجه نداشته‌اند (رد ۳). بعد از او این بحث برای خود، عنوان مجزایی پیدا کرد و به طور مستقل بررسی می‌شد. ۲ فلسفه تومیس را توماس آکوئیناس پایه‌ریزی کرد.

۲۴۸۳- گزینه ۴: توماس آکوئیناس فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه‌های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند.

۲۴۸۴- گزینه ۳: همه دلایل درست‌اند، ولی بارزترین دلیل آن است که ماهیاتی را تصور می‌کنیم که وجود ندارد، مثل تصویر اژدها.

۲۴۸۵- گزینه ۲: در مواردی چیزی را واقعی پنداشتیم و بعد متوجه شده‌ایم آن چیز خیالی بوده است و واقعیت ندارد مانند سراب؛ یعنی در این موارد در ذهن ما مفهومی صرفاً ذهنی وجود داشته است اما در خارج ماب‌ازایی نداشته و واقعیتی خارجی در کار نبوده است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ این موارد برخی اوقات برایمان واقع می‌شود. ۳ اموری که در اطراف ما هستند امور واقعی هستند نه خیالی. ۴ ماشین اسباب‌بازی کودکان یک شیء واقعی است که وجود خارجی دارد نه یک امر تخیلی.

۲۴۸۶- گزینه ۳: عبارات (الف) تا (پ) درست‌اند، اما عبارت (ت) درباره «هستی» درست است، نه «چیستی».

دلیل درستی عبارت (پ): وقتی کودک با انگشت خود اشیا را نشان می‌دهد و با الفاظ «این» یا «آن» به آن‌ها اشاره می‌کند یعنی متوجه وجود آن‌ها شده است. سپس از چپستی می‌پرسد؛ یعنی می‌گوید: «این چیست؟»

۲۴۸۷- گزینه ۳: ماهیت و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم متفاوت‌اند و در خارج، یک واقعیت است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می‌دهیم.

۲۴۸۸- گزینه ۳: پرسش «این چیست؟» نشان می‌دهد ۱- وجود و ماهیت مغایر است (رد ۱ و ۴). ۲- پرسشگر به وجود شیء علم دارد (رد ۲)، ولی از ماهیت آن بی‌اطلاع است.

۲۴۸۹- گزینه ۲: «زیادت وجود بر ماهیت» نام دیگر «مغایرت وجود با ماهیت» است و لذا هر دو مورد قبول است، ولی «عینیت مفهوم وجود و ماهیت» مقابل آن‌ها و مردود است. عینیت وجود و ماهیت فقط در خارج از ذهن و از جهت مصداق است.

۲۴۹۰- گزینه ۱: از این که بدانیم چیزی وجود دارد، اما ندانیم که چیست، می‌توانیم نتیجه بگیریم که هستی (وجود) یک شیء و چپستی (ماهیت) آن، دو جنبه متفاوت هستند. در تمام گزینه‌ها غیر از ۱، از وجود چیزی اطلاع داریم و سؤالان در مورد چپستی آن است؛ اما در ۱ هم از وجودداشتن گوشی تلفن همراهمان آگاهییم و هم چپستی آن را می‌دانیم و فقط سؤالان در مورد مکان آن است که این سؤال، در بحث وجود و ماهیت کمکی نمی‌کند.

❖ اگر وجود، جزئی از ماهیت باشد لزوماً اشیا هم عین نمی‌شوند، چون درست است که اشیا در وجود، مشترک می‌شوند، اما سایر اجزای ماهیت، می‌توانست تمایزها را ایجاد کند (مثلاً انسان به معنای «حیوان ناطق موجود» و مثلث به معنای «شکل سه‌ضلعی موجود» بودند و این دو مفهوم در «موجود» مشترک و در «حیوان ناطق» و «شکل سه‌ضلعی» متمایز هستند؛ بنابراین تنها اگر وجود و ماهیت عین هم باشند، همه ماهیت‌ها یکی می‌شود.

❖ **۲۵۰۱- گزینه ۳** این رفتار به قبول واقعیت داشتن اموری در پیرامون ما مرتبط است و این رفتار به تنهایی نشانگر تمایز وجود و ماهیت نیست.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ❶ این رفتار اصل فلسفی واقعیت مستقل از ذهن را به خاطر می‌آورد یعنی اصلی که می‌گوید چیزهایی پیرامون ما هست که واقعیت دارد.

❷ این یک رفتار طبیعی است یعنی به صورت طبیعی انسان‌ها این گونه رفتار می‌کنند.

❸ چنین رفتاری بیانگر آن است که در اطراف ما چیزهای واقعی هست که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

❖ **۲۵۰۲- گزینه ۱** چون کوه ذهنی، وجود خارجی ندارد، لذا آثار وجود خارجی را هم ندارد. وجود همان وجه مشترک همه موجودات است.

❖ **تذکر:** البته کوه ذهنی نوع دیگری از وجود را دارد که منشأ آثار متفاوتی است. تنها اثر وجود ذهنی، آگاه‌ساختن ذهن از ماهیت اشیا خارجی است.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** همگی عدم حضور ماهیت درست کوه در ذهن را بیان می‌کنند که مطلب نادرستی است.

❖ **۲۵۰۳- گزینه ۲** آکوئیناس مانند ابن سینا و با تبعیت از او بحث مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان اثبات وجود خدا قرار داد (رد ❶) و بر این اساس، فلسفای را به نام تومیس در اروپا پایه‌ریزی کرد که تا امروز هم در جریان است؛ پس ابن سینا به طور غیرمستقیم و به واسطه آکوئیناس و خود آکوئیناس به طور مستقیم در این جریان‌سازی نقش داشتند. ❷ مبتکر این بحث ابن سینا نیست بلکه فلاسفه مسلمان قبل از او همچون فارابی به این مسئله توجه داشته‌اند. ❸ این بحث ربطی به ابن سینا ندارد و در آثار ملاصدرا مطرح می‌شود.

❖ **۲۵۰۴- گزینه ۳** این قدم‌ها به ترتیب این گونه‌اند: ❶- قبول واقعیت و امکان شناخت آن ❷- توجه به دو جنبه هستی و چیستی در واقعیات که هستی وجه مشترک و چیستی وجه اختصاصی آن‌هاست. ❸- مغایرت ذهنی این دو مفهوم و یکی بودن مصداق خارجی آن‌ها ❹- اثبات این مغایرت براساس نیازمندی حمل وجود بر ماهیت به دلیل، در عین بی‌نیازی حمل ماهیت بر ماهیت به دلیل. ❺ مطابق همین روال است. **بررسی گزینه‌ها:** ❶ قدم اول ناقص و قدم سوم نادرست بیان شده است. ❷ قدم دوم و چهارم نادرست مطرح شده‌اند. ❸ قدم دوم نادرست بیان شده است.

❖ **۲۵۰۵- گزینه ۲** وجود و ماهیت یک شیء واقعی، در جهان خارج و واقعیت با یکدیگر وحدت دارند (رد ❶). نسبت دادن مفهوم وجود به هر ماهیتی نیازمند دلیل است (رد ❷). چیستی و هستی با یکدیگر تفاوت مفهومی دارند (رد ❸).

❖ **۲۵۰۶- گزینه ۳** فیلسوف مرکب بودن آب از اجزای مختلف را انکار نمی‌کند، بلکه اعتبار روش علم تجربی را خود فلسفه تأیید می‌کند (رد ❶)، اما نگاه فیلسوف به اجزای تشکیل‌دهنده نیست، بلکه کل موجود مرکب را به عنوان یک واقعیت که جنبه هستی و جنبه چیستی دارد، در نظر می‌گیرد و آن را از نظر این دو مفهوم تحلیل می‌کند.

❷ انسان به عنوان حقیقت واحد از نظر مفهومی همان حیوان ناطق است؛ پس مرکب از «حیوان» و «ناطق» است. همچنین انسان به عنوان یک واقعیت خارجی مصداق وجود و نیز مصداق ماهیت انسان است. پس به یک معنا مرکب از دو جنبه مفهومی است (البته در درس ۱۱ خواهیم گفت که ملاصدرا واقعیات را فقط مصداق وجود می‌داند، نه ماهیت ولی در این درس نظر ابن سینا مورد نظر است). ❸ از نظر ابن سینا تجربه، ما را با واقعیت خارجی موجودات مادی و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها آشنا می‌کند و اجزا صرفاً یک امر ذهنی نیستند.

❖ **۲۵۰۷- گزینه ۱** قدم اول در شناخت وجود و ماهیت و نسبت میان آن دو این است که بپذیریم واقعیتی هست و می‌توان آن را شناخت. در فلسفه یازدهم (درس‌های ۱، ۴، ۶، ۸) دانستیم که سوفیست‌ها اصل وجود واقعیت و اصل امکان شناخت آن را نمی‌پذیرند؛ بنابراین این که واقعیتی هست، مسیر ما را از نظر هستی‌شناختی از سوفیست جدا می‌کند و این که می‌توان واقعیت را شناخت مسیر ما را از نظر معرفت‌شناختی از او جدا خواهد کرد؛ پس فیلسوف و سوفیست در همان گام اول و در پذیرش یا عدم پذیرش دو امر بدیهی به اختلاف می‌خورند و مسیرشان از هم جدا می‌شود.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ❷ این مطلب، خود گام اول نیست، بلکه یکی از روش‌های پی‌بردن به آن است. البته گام اول بدیهی است و نیاز به اثبات ندارد و توجه به زندگی و نحوه رفع نیازها، تنها تنبیه و تذکر به گام اول و نشانه آن است، نه اثبات آن. ❸ توجه به این دو مفهوم در قدم دوم انجام می‌شود. ❹ درست است ولی کامل نیست. قدم اول غیر از پذیرش واقعیت شامل پذیرش امکان شناخت آن هم می‌شود.

❖ **۲۵۰۸- گزینه ۴** وقتی به واقعی بودن چیزی اعتقاد داریم یعنی حکم به وجود ماهیت آن کرده‌ایم. مثلاً حکم کرده‌ایم که «دیو هست»، اما وقتی متوجه اشتباه خود شده‌ایم این حکم را پس گرفته‌ایم. ولی هم‌چنان ماهیت دیو همان است که می‌فهمیم و درباره‌اش حکم به وجود نمی‌کنیم.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ❶ چه حکم به وجود چیزی کنیم، چه این حکم را رد کنیم، در هر صورت به مغایرت وجود و ماهیت معتقدیم. ❷ یک اشتباه شناختی به این معنی نیست که هیچ شناخت صحیح قطعی نداریم. ❸ ما در ابتدا حکم به ثبوت هستی کرده‌ایم و بعد از پی‌بردن به اشتباه، حکم به نفی هستی کرده‌ایم؛ پس درباره جنبه هستی حکم کرده‌ایم.

❖ **۲۵۰۹- گزینه ۱** فهم واقعی بودن هر ماهیتی یعنی درک این مطلب که آن ماهیت وجود دارد (حمل وجود بر ماهیت)، به دلیل نیازمند است؛ یعنی چیزی فراتر از شناخت ذاتیات آن ماهیت، اما فهم درستی حمل خود ماهیت یا اجزایش بر همان ماهیت (مثل این که یک مثلث، شکل سه‌ضلعی است یا شکل است یا سه‌ضلعی است). نیاز به چیزی فراتر از شناخت ذاتیات آن ماهیت ندارد. به عبارت دیگر حمل ذات یا ذاتیات یک شیء بر آن، نیاز به دلیل ندارد؛ پس حمل وجود با حمل ماهیت متفاوت است و از این رو، وجود با ماهیت مغایرت دارد. این مطلب همان دلیل ابن سینا در قدم چهارم است.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ❷ ضروری و اجتناب‌ناپذیر بودن، لزوماً به معنای بی‌نیاز از دلیل بودن نیست. بسیاری از حمل‌های نیازمند به دلیل هم ضروری هستند، مثل حمل «دارای مجموع زوایای دو قائمه (۱۸۰ درجه)» بر مثلث که اگرچه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، ولی نیاز به دلیل دارد. حمل وجود هم گاهی ضروری است ولی همواره نیازمند دلیل است. مثلاً این که خداوند وجود دارد که گزاره ضروری است؛ پس نمی‌توان ضروری بودن حمل ذات یا ذاتیات را وجه مغایرت ماهیت و وجود دانست. ❸ اگر این دو جنبه بودن به معنای مغایرت باشد؛ پس نتیجه را فرض گرفته‌ایم و به جای اثبات صحیح آن، مرتکب استدلال دوری یا مصادره به مطلوب شده‌ایم، اما اگر دو جنبه بودن به معنای مغایرت وجود و ماهیت نباشد؛ پس هنوز چیزی اثبات نشده است و بعد از فهم معنای این دو جنبه باید بر مغایرت آن دو دلیل اقامه کنیم. ❹ سؤال «این چیست؟» نشان می‌دهد به وجود پی برده‌ایم و به دنبال شناخت ماهیت هستیم و لذا وجود و ماهیت مغایرت دارند، اما این گزینه نمی‌گوید وجود را شناخته‌ایم، بلکه می‌گوید خودش را شناخته‌ایم. مقصود از «خود»، ذات یک امر است که در این مبحث به طور معمول بر ماهیت اطلاق می‌شود، نه وجود. به هر حال چون تصریحی نداریم که مقصود از «خود» وجود باشد؛ پس نمی‌توان این استدلال را لزوماً صحیح دانست.

❖ **۲۵۱۰- گزینه ۴** در حمل اول ذاتی، محمول خود موضوع یا بخشی از آن است. به همین خاطر وقتی موضوع را تصور می‌کنیم، محمول را نیز درون موضوع تصور کرده‌ایم و همین تصور کافی است برای این که حکم کنیم محمول بر موضوع حمل می‌شود و نیازی به دلیل نداریم. مثلاً وقتی مثلث را تصور می‌کنیم، همان شکل سه‌ضلعی را تصور کرده‌ایم و طبیعتاً نباید دلیل بیاوریم که مثلث شکل سه‌ضلعی است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ❶ ممکن است کل ذات را نیز نسبت دهد، مثل «انسان بشر است». یا «انسان حیوان ناطق است». ❷ پس محمول، لزوماً اجزای ذات نیست. ❸ بسیاری از حمل‌های غیرذاتی هم همین ویژگی را دارند، مثلاً حمل «سه زاویه‌ای» بر «مثلث» شامل همه افراد موضوع می‌شود و آن را از همه دیگر موضوعات متمایز می‌سازد ولی این حمل، اولی ذاتی نیست. هم‌چنین حمل «شکل» بر «مثلث» اولی ذاتی است ولی این‌طور نیست که مثلث را از همه دیگر شکل‌ها متمایز سازد. ❹ در همه حمل‌های ضروری، محمول از موضوع عقلاً جدایی‌ناپذیر و لاینفک است، ولی برخی حمل‌های ضروری، اولی ذاتی نیستند، مثل حمل «سه زاویه‌ای» بر «مثلث».

❖ **۲۵۱۱- گزینه ۲** حمل ناطق بر انسان، بی‌نیاز از دلیل است ولی حمل انسان بر ناطق به دلیل نیاز دارد، زیرا «ناطق انسان است». یعنی «ناطق، حیوان ناطق است». پس محمول ما دو بخش دارد: «حیوان» و «ناطق». بدیهی است که حمل «ناطق» بر «ناطق» بی‌نیاز از دلیل است ولی حمل بخش دیگر یعنی «حیوان» به دلیل نیاز دارد. به همین ترتیب حمل «پلاتین» بر «فلز» و نیز حمل «مارماهی» بر «زنده» نیز به دلیل نیاز دارند. البته این دلایل می‌توانند حسی و تجربی باشند. مثل این که تا به حال هیچ ناطقی غیر از حیوان ناطق مشاهده نشده است.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ❶ این مطلب در فرض این که همه ماهیات عین «وجود» باشند، درست است ولی این که «وجود» ذاتی موضوعات باشد در فرض جزئیت «وجود» برای «ماهیات» هم رخ خواهد داد؛ بنابراین موضوعات مختلف اگر چه در مفهوم «وجود» مشترک خواهند بود ولی در سایر اجزای تعریفی و ذاتی‌شان از هم متمایز خواهند شد، مثلاً «مثلث» می‌شود: «شکل سه‌ضلعی موجود» و «انسان» می‌شود: «حیوان ناطق موجود» و طبیعتاً در «شکل سه‌ضلعی» بودن یا «حیوان ناطق» بودن با هم فرق خواهند داشت.

وجود و ماهیت دو جنبه مفهومی از واقعیات هستند، ولی از اجزای مفهومی آن‌ها نیستند. اجزای مفهومی واقعیات همان اجزای ماهیت محسوب می‌شوند که وجود جزء آن‌ها نیست، مثلاً از «انسان» دو مفهوم «وجود» و «حیوان ناطق» درک می‌شود ولی این دو مفهوم، اجزای مفهومی انسان نیستند، بلکه اجزای مفهومی انسان، «حیوان» و «ناطق» هستند. این اصل توسط ابن سینا به فلسفه مسیحیان منتقل نشد، بلکه به دست توماس آکوئیناس انتقال یافت.

۲۵۱۲- گزینه ۲ نگاه به اجزای تشکیل‌دهنده، مورد نظر علم شیمی است. در مقابل، فیلسوف برای تحلیل هر واقعیاتی آن را امر واحد در نظر می‌گیرد و از وجوه مفهومی بررسی‌اش می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در اولین گام، واقعیت و امکان شناخت آن پذیرفته می‌شود، نه اثبات. این امور بدیهی‌اند و قابل اثبات نیستند. ۳ اشاره به یک امر ذهنی هم به معنای وجود ذهنی آن امر است. اصولاً هر اشاره‌ای به وجود مشارالیه به نحو واقعی یا ذهنی دلالت می‌کند. ۴ حمل خود ماهیت و اجزای ذاتی آن نیازمند دلیل نیست، ولی حمل امور مربوط به ماهیت که جزء ذاتیات آن نیستند، به دلیل نیاز دارد. مثلاً «دارای مجموع زوایای ۱۸۰ درجه» بودن مربوط به ماهیت مثلث می‌شود و حمل آن به دلیل نیاز دارد.

۲۵۱۳- گزینه ۱ حمل «الف» بر «ب» یعنی «ب الف است.» و حملی که معمولش خود موضوع یا تعریف حقیقی و ذاتی موضوع یا از اجزای تعریفی (ذاتیات) موضوع باشد، بی‌نیاز از دلیل است و دیگر حمل‌ها همگی به دلیل نیاز دارند؛ بنابراین حمل «دارای اضلاع برابر» بر «لوزی»، حمل بی‌نیاز از دلیل است، زیرا «دارای اضلاع برابر» جزء تعریف ذاتی لوزی است و این‌که «لوزی دارای اضلاع برابر است» نیاز به دلیل ندارد. همچنین تعریف حقیقی «مربع»، «چهارضلعی دارای اضلاع برابر و زوایای قائمه» است و «مستطیل» که «چهارضلعی دارای زوایای قائمه» است، جزئی از تعریف آن محسوب می‌شود؛ بنابراین گزاره «مربع مستطیل است.» نیاز به دلیل ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ قسمت اول نیاز به دلیل دارد زیرا گیاهان، جانداران غیرحساس هستند؛ پس نمی‌توان حساس بودن را جزء ذات جانداران در نظر گرفت. قسمت دوم به دلیل نیاز ندارد، زیرا پرند براساس تعریفش نوعی حیوان (جسم نامی حساس) است و جسم نیز براساس تعریفش امری سه‌بعدی است؛ بنابراین «سه‌بعدی» را نیز می‌توان از اجزای تعریفی پرندگان به حساب آورد که بدون دلیل بر آن حمل می‌شوند. این‌که «عدد گسسته است.» بی‌نیاز از دلیل است، زیرا تعریف عدد «مقدار ثابت گسسته» است، اما این‌که «مثلث سه‌گوش است.» به دلیل نیاز دارد چون تعریف مثلث «شکل سه‌ضلعی» است، نه «شکل سه‌گوش.» تصور بنا بر تعریف «دانش بدون حکم» است؛ بنابراین حمل «دانش» بر «تصور» بی‌نیاز از دلیل است. اما حمل آب بر بی‌رنگ، به دلیل نیاز دارد زیرا اگرچه آب بی‌رنگ است ولی هر بی‌رنگی آب نیست. مثلاً یخ و شیشه هم بی‌رنگ هستند؛ پس نمی‌توان بدون دلیل گفت: «بی‌رنگ آب است.»

۲۵۱۴- گزینه ۱ این اتفاق نشان می‌دهد که انسان هم واقعیت (هستی) و هم عدم واقعیت (نیستی) را می‌شناسد و تنها واقعیت را منشأ اثر می‌داند، زیرا تا زمانی که گمان می‌کند آب وجود دارد به سمت آن می‌رود و هنگامی که متوجه شد آب وجود ندارد و سراب است، از آن دست برمی‌دارد.

۱ این مطلب نشان نمی‌دهد که همیشه همه انسان‌ها در پی اصلاح اشتباهات خود هستند، بلکه در مورد سراب چون فایده‌ای در ادامه دادن اشتباه نیست، آن را ترک می‌کنند. اما انسان‌ها گاهی در ادامه دادن اشتباهات خود منافع دارند و آن‌ها را اصلاح نمی‌کنند.

۲۵۱۵- گزینه ۴ ذهنی و اعتباری ندانستن امور پیرامونی، به معنای آن است که اشیا و امور پیرامونی خود را واقعی دانسته و موجودات خارج از ذهن بدانیم و براساس واقعی دانستن اشیا پیرامونی از آن‌ها استفاده کرده و نیازهایمان را برطرف سازیم.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ اصلی بدیهی است، اما در طول تاریخ توسط گروه‌هایی همچون سوفسطائیان مورد انکار قرار گرفته است. ۲ رفتار طبیعی انسان‌ها در استفاده از اشیا پیرامونی دربردارنده همین باور است. ۳ درک ما از رابطه وجود و ماهیت ارتباطی با اصل وجود واقعیات مستقل از ذهن ندارد.

۲۵۱۶- گزینه ۳ اگر میان مفهوم وجود و ماهیت تفاوتی نباشد، حمل وجود بر ماهیت دلیل نمی‌خواهد، زیرا مفهوم وجود و ماهیت یکی می‌شود و لذا حمل ضروری خواهد بود (رد ۱). هم‌چنین ماهیتی که واقعی نباشد امکان ندارد، زیرا در این فرض، ماهیت و وجود یکی هستند و هر چه ماهیت دارد، وجود نیز دارد و واقعی است (رد ۲). دیگر میان وجود و ماهیت تفاوتی نیست که بخواهند دو حیثیت مختلف از یک شیء باشند، اما این‌که هر شیء حقیقی دوگانه در خارج از ذهن ندارد، اگر مغایرت میان وجود و ماهیت باشد نیز برقرار است و بر اثر فرض عینیت وجود و ماهیت پیش نمی‌آید.

۲۵۱۷- گزینه ۱ چه معتقد به مغایرت وجود و ماهیت باشیم و چه نباشیم، می‌توانیم حقیقت شیء خارجی را فقط وجود یا فقط ماهیت بدانیم و نیازی نیست حتماً مغایرت ذهنی وجود و ماهیت را انکار کنیم تا حقیقت اشیا یگانه شود.

۲۵۱۸- گزینه ۳ اگر وجود عین ماهیت یا جزء آن می‌بود (به عبارت دیگر: اگر مفهوم وجود و ماهیت مغایر نمی‌بود)، اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیازمند به دلیل نبود. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ اگر وجود و ماهیت مغایر باشند، تصور هر ماهیتی با وجود آن همراه نخواهد بود. ۲ اگر وجود، عین ماهیت یا جزء ماهیت می‌بود، نفی ماهیت از وجود ممکن نبود؛ بنابراین قید «تنها» نادرست است. ۴ فقط در صورتی که وجود عین ماهیت می‌بود (نه زمانی که وجود جزء ماهیت می‌بود)، همه ماهیات یکی می‌شدند.

۲۵۱۹- گزینه ۴ این گزینه بر حقیقت تلخ عاقبت جهان که نیستی است تأکید می‌کند و از آن نتیجه می‌گیرد فعلاً هستی و نیستی تفاوتی ندارند. پس به ارزش واقعیت در مقابل عدم واقعیت اشاره نمی‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ به طور ضمنی بی‌ارزشی رؤیا را در مقابل واقعیت بیان می‌کند. ۲ هر دو به دلیل بی‌ارزشی نیستی در مقابل هستی، بی‌ارزشی دنیا را نتیجه گرفته‌اند.

۲۵۲۰- گزینه ۴ توجه: وجه مشترک موجودات، هستی است نه وجه مشترک ماهیات. ماهیات به دو دسته موجود و معدوم تقسیم می‌شوند و وجه مشترکی بین همه آن‌ها وجود ندارد (مثلاً ماهیت «جسم» با ماهیت «عقل» (که غیرمادی است) وجه مشترک ندارد). اما وجه افتراق همه انواع ماهیات همان ماهیت یا چیستی است؛ مثلاً ماهیت گربه با ماهیت موش متفاوت است و تفاوتشان در همین گربه‌بودن و موش‌بودن است.

تذکره: ماهیات هم‌نوع در چیستی مشترک‌اند. (مثلاً همه گربه‌ها ماهیت یکسان دارند).

۲۵۲۱- گزینه ۱ پزشک وجود غده را تشخیص داده و در پی تشخیص نوع و ماهیت آن است که آزمایش می‌نویسد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ اگر موتورها درست کار کنند یعنی هیچ نقصی وجود ندارد، ولی اگر درست کار نکنند صرفاً وجود نقص مشخص می‌شود و نوع آن را باید بعد از معاینه فنی تشخیص داد؛ پس تکنیسین با روشن کردن موتور به دنبال تشخیص وجود نقص است، نه نوع آن. ۳ زیست‌شناس از چیستی علائم حیاتی مطلع است و به دنبال هستی آن در سیارات دیگر می‌گردد. ۴ سرآشپز می‌داند ادویه کاری چیست، ولی به دنبال وجود آن است.

۲۵۲۲- گزینه ۴ گزاره اول که معمولش «وجود» است با گزاره دوم که معمولش «ماهیت» است، در عین شباهت در موضوع تفاوت اساسی از نظر ضروری بودن حمل یا نیازمند دلیل بودن آن دارد (رد ۱ و ۳). در گزاره سوم چون حمل، آثار خارجی را به موضوع نسبت داده است، مستلزم موجودیت موضوع است؛ پس از نظر هستی‌شناختی تفاوتی با گزاره اول ندارد.

۲۵۲۳- گزینه ۴ هستی یک مفهوم مشترک بین همه موجودات است، ولی چیستی‌ها بعضی بدیهی‌اند (مثل مفهوم «یک» یا شناخت یا اختیار و ...) (رد ۱) و بعضی نیازمند تعریف هستند (مثل تاقیدس یا مفهوم «دو» یا مثلث و ...). ۲ هستی عامل وجود آثار است، ولی این‌که آثار چه آثاری باشند، بستگی به چیستی دارد، مثلاً یخی که هست و آتشی که هست هر دو منشأ آثار هستند، ولی یک سرد و دیگری سوزان است و این تفاوت ناشی از ماهیت‌های متفاوت یخ و آتش است. ۳ «هستی» شرط لازم و کافی برای منشأ اثر بودن است.

۲۵۲۴- گزینه ۱ هستی و چیستی یک موضوع خاص مثل سیب از هم جدایی‌پذیرند؛ یعنی سیب می‌توانست هستی نداشته باشد و معدوم باشد. توجه کنید که هستی و چیستی یک موجود در خارج از ذهن جدایی‌ناپذیر و در ذهن جدا هستند. ولی این‌جا در مورد هر موضوعی اعم از موجود و معدوم صحبت می‌کنیم (نادرستی (الف) و (پ)). مغایرت دو روی سکه اگرچه روشن است، ولی دو روی یک سکه همیشه با هم هستند و به نوعی جدایی‌ناپذیرند؛ در حالی که یک موضوع می‌تواند به کلی فاقد هستی باشد (نادرستی (ب)). اگر یک هستی داشته باشیم با بررسی آن می‌توان به چیستی پی برد، ولی با دانستن چیستی یک ماهیت ممکن نمی‌توانیم بفهمیم آن ماهیت هست یا نیست.

۲۵۲۵- گزینه ۳ ساختار استدلال ابن سینا این‌گونه بود که چون یک ویژگی وجود و ماهیت (نیازمندی و بی‌نیازی حمل به دلیل) متفاوت است؛ پس وجود و ماهیت با هم مغایرت دارند. در این تمثیل نیز به جهت یک ویژگی متفاوت (اثر انگشت، حکم به تفاوت دو قاتل شده است.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) این تمثیل بیشتر با یک دلیل دیگر مغایرت وجود و ماهیت یعنی این دلیل که می‌توان ماهیت‌هایی را تصور کرد که وجود ندارند، مشابهت دارد. ۲) این تمثیل در نهایت به مغایرت دو ماشین حکم نکرده است، بلکه به مغایرت بخشی از دو ماشین حکم کرده است، در حالی که وجود و ماهیت مغایرت کامل دارند نه صرفاً مغایرت جزئی. ۴) این تمثیل بیشتر شبیه این دلیل است که ماهیت‌های غیرموجود هم داریم.

❖ **۲۵۲۶- گزینه ۳:** ماهیت و ذات، ایجادشدنی نیست و همیشه ثابت است؛ بنابراین اگر وجود و ماهیت مغایرت نداشتند، وجود هم امری ذاتی می‌شد و دیگر نمی‌توانست از ماهیت جدا شود؛ بنابراین حالتی برای ماهیت قابل تصور نبود که وجود نداشته باشد تا بتوان آن را برای اولین بار به وجود آورد؛ بنابراین مغایرت وجود و ماهیت سبب می‌شود که بتوان یک ماهیت را برای اولین بار به وجود آورد.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) با مغایرت وجود و ماهیت هم از نظر این سینا مصادیق وجود و ماهیت در عالم خارج یکسان‌اند. ۲) درست است که به هر چیزی که اشاره شود، به نحوی وجود دارد ولی این به آن معنا نیست که نتوان به ماهیت یک موجود اشاره کرد. مثلاً وقتی به یک سبب از آن جهت که سبب است اشاره می‌کنیم و می‌گوییم این (سبب) میوه خوبی است، به ماهیت آن (که اکنون موجود نیز هست) اشاره کرده‌ایم. ۴) با مغایرت وجود و ماهیت، حمل وجود بر ماهیت، نیازمند دلیل می‌شود، نه این‌که ضروری نباشد. اگر علت یک موجود فراهم باشد، وجودش ضروری می‌شود ولی در عین حال، اثبات این وجود نیازمند دلیل است.

❖ **۲۵۲۷- گزینه ۴:** در فرض عدم مغایرت وجود و ماهیت، گزاره «ث» پذیرفتنی نخواهد بود، زیرا تنهایی یک امر نسبی است و ممکن است در حالی که موجودات بسیاری وجود دارند، یک موجود در یک محدوده خاص تنها باشد. این موضوع با عدم مغایرت وجود و ماهیت هم منافاتی ندارد، زیرا در این فرض همه ماهیت‌ها وجود خواهند داشت ولی لزومی ندارد این وجود در همه جا و نزد همه کس باشد تا کسی تنها نماند. **گزاره الف:** وقتی وجود با ماهیت مغایرت ندارد؛ پس وجود ذاتی هر گونه‌ای از جانداران نیز هست و ذاتیات از بین رفتنی نیستند؛ بنابراین هیچ گونه‌ای از جانداران قابل از بین رفتن نخواهند بود.

گزاره ب: علت یعنی به وجود آورنده و معلول یعنی به وجود آمده. در فرض عدم مغایرت وجود و ماهیت، وجود جزء ذاتی هر ماهیتی خواهد بود و چون ذاتیات قابل دادن و گرفتن نیستند؛ بنابراین نمی‌توان به هیچ چیزی وجود داد یا از هیچ چیزی وجود را گرفت؛ پس به وجود آوردن (علیت) محال خواهد بود و به وجود آورنده (علت) و به وجود آمده‌ای (معلول) هم نخواهیم داشت.

گزاره پ: انجام هر کاری مستلزم تغییر و شدن است زیرا کار فعالیتی است که بر یک امر فاعل یا مفعول یا بر هر دو اثر می‌گذارد و آن را دچار تغییر و شدن می‌کند. از طرفی هر تغییر و شدنی مستلزم از بین رفتن حالت کنونی و به وجود آمدن حالتی جدید است. اگر بین وجود و ماهیت، مغایرتی نباشد، همه حالات نیز که خود ماهیتی دارند، ذاتاً موجود خواهند بود و نمی‌توانند از بین بروند یا به وجود آیند؛ پس تغییر و شدن محال خواهد شد و در نتیجه انجام کار نیز ممتنع و نشدنی خواهد بود. **گزاره ت:** در فرض عدم مغایرت وجود و ماهیت، خیالات نیز که خودشان ماهیتی دارند یا از اجزای دارای ماهیت درست شده‌اند، دارای وجود خواهند بود زیرا فرض ما این است که وجود جزء ذاتی ماهیات است؛ پس هیچ خیالی باطل نخواهد بود.

❖ **۲۵۲۸- گزینه ۱:** اگر واقعیت خارجی دقیقاً مصادق هر دو مفهوم وجود و ماهیت باشد، به این معناست که تفاوت این دو مفهوم هیچ مابازایی در آن مصادق واحد ندارد و این نمی‌شود مگر با این پیش‌فرض که مفاهیم بتوانند انطباق کامل بر مصادقشان نداشته باشند (به همین جهت فیلسوفانی همچون میرداماد و ملاصدرا وحدت مصادقی وجود و ماهیت را رد کردند و فقط یکی از آن دو را دارای مصادق واقعی دانستند. در این باره در درس ۱۱ بیشتر توضیح داده می‌شود).

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۲) اگر مغایرت نداشتن وجود و ماهیت، به معنای جزئی‌ت وجود برای ماهیت باشد، سخن درستی است، ولی می‌دانیم که یک فرض دیگر برای عدم مغایرت وجود و ماهیت، عینیت آن دو است. اگر ماهیت عین وجود باشد، تمام موجودات وحدت و یگانگی پیدا خواهند کرد و همگی عین هم خواهند شد و در این فرض هیچ خللی به نگاه فلسفی به یک واقعیت (یعنی در نظر گرفتن آن به عنوان فقط یک حقیقت و نگاه نکردن به اجزای تشکیل‌دهنده‌اش) وارد نخواهد شد. ۳) درست است که عدم مغایرت وجود و ماهیت، مؤید دیدگاه پارمنیدس در انکار حرکت و شدن است، ولی این درست نیست که خود پارمنیدس هم دیدگاه خود را بر این مبنا عرضه کرده بود. در حقیقت، پارمنیدس بدون استفاده از چنین پیش‌فرضی به انکار حرکت پرداخت. اساس دیدگاه او این بود که وجود، ذاتاً هست و نمی‌تواند به وجود آید، اما یک ماهیت می‌تواند وجود داشته باشد یا نداشته باشد. اگر وجود نداشت، هرگز هم ایجاد نخواهد شد و اگر وجود داشت، همیشه وجود داشته است و این‌طور نیست که ایجاد شده باشد؛ بنابراین وجود ذاتی همه ماهیات نیست بلکه ذاتی موجودات است.

❖ **۲۵۲۹- گزینه ۲:** پاسخ سؤال از چیستی و ذات اشیا ← ماهیت و مغایر با وجود است.

❖ **۲۵۳۰- گزینه ۲:** ماهیت و وجود اشیا در ذهن مغایر هستند و این به معنای مغایرت مفهومی و معنایی آن‌هاست و از قوه انتزاع و قدرت ذهنی انسان ناشی می‌شود. (بدون دانستن پاسخ جای خالی سوم، می‌توان به این تست پاسخ داد).

❖ **۲۵۳۱- گزینه ۳:** وقتی از واقعیت یک موجود سخن می‌گوییم مثلاً می‌گوییم «کتاب وجود دارد»، در این‌جا مفهومی مغایر با موضوع را بر آن حمل کرده‌ایم، یعنی وجود را بر ماهیت حمل کرده‌ایم.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) حمل وجود بر ماهیت ضروری نیست. ۲) در این قضایا وجود بر ماهیت حمل می‌شود، نه ماهیت خاصی بر موجود. ۴) حمل محمول بر موضوع، نیازمند دلیل حسی یا عقلی است. حتی دلیل شهودی و وحیانی هم می‌تواند معتبر باشد.

❖ **۲۵۳۲- گزینه ۲:** وقتی به واقعیت یک شیء اذعان می‌کنیم، یعنی وجود را بر ماهیت حمل می‌کنیم که این حملی غیرضروری است؛ بنابراین نیاز به دلیل حسی یا عقلی دارد.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** وقتی به واقعیت یک شیء اذعان می‌کنیم دو مفهوم دوگانه از یک واقعیت یگانه در ذهن شکل می‌گیرد.

❖ **۲۵۳۳- گزینه ۱:** اگر مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، دیگر اثبات وجود هیچ ماهیتی به دلیل نیاز ندارد و تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن کافی است. از این رو امور خیالی همچون ققنوس واقعاً وجود خواهند داشت (رد ۳). ۲) این مطلب باعث مبهم‌شدن ماهیات نمی‌شود. ۴) اگر ماهیت و وجود عین هم بودند، چون وجود مفهوم مشترک دارد، همه ماهیات هم عین هم می‌شدند. ولی در صورت سؤال فرض کرده وجود جزء ماهیت باشد. در این صورت هنوز ماهیات می‌توانند جزء غیر مشترک هم داشته باشند و عین هم نمی‌شوند.

❖ **۲۵۳۴- گزینه ۲:** لفظ و معنا نزدیک‌ترین مثال موجود در گزینه‌ها برای وجود و ماهیت است، زیرا در آن یک چیز (کلمه) دارای دو حیثیت است. یکی حیثیت معنا و دیگری حیثیت لفظ. اما در گزینه‌های دیگر دو موجود کاملاً متمایز هم در ذهن و هم در خارج وجود دارد.

❖ **۲۵۳۵- گزینه ۳:** اسناد هستی به یک چیز زمانی صورت می‌گیرد که محمول ما «موجود» باشد و بر ماهیت حمل شود، مثل «توپ موجود است».

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) جملات انشایی، خبر و اسناد نمی‌دهند. ۲) «پرسش» جمله انشایی است. ۴) دلیل و برهان برای اثبات درستی یک اسناد است، نه خود اسناد.

❖ **۲۵۳۶- گزینه ۲:** این که ماهیت‌هایی وجود دارند که موجود نیستند مانند ققنوس، خود دلیلی است بر عدم عینیت میان وجود و ماهیت که اصطلاحاً به آن مغایرت یا زیادت وجود بر ماهیت می‌گویند.

❖ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) یک مطلب عقلی با برهان عقلی ثابت می‌شود، نه هم‌نظر شدن افراد. ۳) مطلب درستی است زیرا تصور یک ماهیت به معنای وجود ذهنی پیدا کردن آن ماهیت است. ولی ربطی به مغایرت مفهومی وجود و ماهیت ندارد؛ یعنی با عینیت این دو مفهوم هم سازگار است. ۴) هر چند این عبارت درست است، اما استدلالی بر «اصل زیادت وجود بر ماهیت» نیست، بلکه بیانی از خود همین اصل است.

❖ **۲۵۳۷- گزینه ۳:** وقتی ماهیاتی را تصور می‌کنیم که موجود نیستند، یعنی ماهیت بدون وجود تحقق دارد و این یعنی مغایرت وجود و ماهیت در ذهن.

❖ اگر مغایر نبودن هم می‌شد آن‌ها را بر هم حمل کرد. مثلاً دو مفهوم انسان و حیوان ناطق که مغایر نیستند هم قابل حمل بر یکدیگر هستند و می‌توان گفت: «انسان حیوان ناطق است». ۲) غیر از خداوند سایر موجودات همگی ماهیت دارند پس نمی‌توان گفت چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند (توجه کنید که خداوند، واحد است و «چیزها» محسوب نمی‌شود). ضمن این‌که به نظر می‌رسد بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابتدا در مورد ممکن‌الوجودها مطرح شده است لذا اساساً باید خداوند را خارج از این بحث دانست. ۴) هر ماهیتی اگر در خارج تحقق داشته باشد، موجود است و سلب وجود از آن امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین سلب وجود از ماهیت، فقط در ذهن امکان‌پذیر است.

❖ **۲۵۳۸- گزینه ۴:** وقتی ذات یک شیء یا اجزای ذاتی‌اش بر آن شیء حمل شوند، نیازی به دلیل نیست. پلاتین نوعی فلز است که در تعریف حقیقی آن «فلز بودن» وجود دارد؛ بنابراین حمل «فلز» بر «پلاتین» بی‌نیاز به دلیل است.



برای دسترسی به پاسخ آزمون درس اول کیو آر کد پشت جلد را اسکن کنید و بعد از ورود به لینک، شماره روبه‌رو را وارد کنید.

۲۵۵۳- گزینه ۴ سؤال از شیوه فیزیکی آغاز جهان ماده (جهان فیزیکی) برخلاف آغاز جهان هستی، در علم فیزیک پاسخ داده می‌شود؛ پس این سؤال فلسفی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها: سؤال از مسائل عقلی است که همواره به صورت ثابت برای فیلسوفان مطرح بوده است.

۲۵۵۴- گزینه ۳ خربزه می‌تواند شیرین نباشد؛ بنابراین رابطه موضوع و محمول امکانی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: رابطه موضوع و محمول ضروری است، زیرا محمول بخشی از تعریف موضوع را به آن نسبت داده است.

۲۵۵۵- گزینه ۱ در قضیه «چهار عدد زوج است» رابطه موضوع و محمول ضروری است؛ یعنی «چهار» محال است «زوج» نباشد، اما در قضیه «هندوانه ترش است» رابطه امکانی میان موضوع و محمول برقرار است، زیرا اگرچه «هندوانه» در حالت طبیعی ترش نیست ولی ترش‌بودن هندوانه منجر به تناقض نمی‌شود، از این‌رو امری ممکن است.

۲۵۵۶- گزینه ۳ **بررسی گزینه‌ها:** ۱ حمل امکانی است، زیرا تهران می‌تواند پایتخت ایران باشد و می‌تواند پایتخت نباشد، همان‌طور که در گذشته نبوده است. ۲ حملی امکانی است، زیرا یک پا داشتن مرغ محال نیست و از طرفی هم واجب نیست. ۳ حمل امکانی است، هرچند مرغ آتش‌خوار اکنون وجود ندارد اما وجودداشتن آن امتناع عقلی ندارد. ۴ حمل سه‌ضلعی بر مثلث ضروری است.

۲۵۵۷- گزینه ۱ زمانی که خلاف رابطه‌ای امکان وقوع ندارد؛ یعنی خود رابطه به صورت قطعی واقع می‌شود. این همان رابطه ضروری است.

۲۵۵۸- گزینه ۴ در این قضیه نسبت میان موضوع و محمول ضروری است (رد ۱ و ۳) زیرا حیوان و ناطق ذاتیات انسان هستند. دقت نمایید که داشتن مصداق مشترک دلیل بر ضروری‌بودن حمل نیست، مثلاً «انسان» و «دانشمند» مصداق‌های مشترکی دارند اما حمل «دانشمند» بر «انسان» ضروری نیست (رد ۲).

۲۵۵۹- گزینه ۴ مثلث مقدار است. ← ضروری (زیرا شکل جزء تعریف مثلث است و شکل‌ها مقدار ثابت پیوسته هستند) // انسان جسم است. ← ضروری (زیرا جسم جزء تعریف حیوان و حیوان جزء تعریف انسان است و در نتیجه جسم جزء تعریف انسان هم هست) // شتر دو کوهان دارد. ← امکانی (زیرا شتر یک‌کوهانی هم داریم و حتی اگر نداشتیم هم همین که امکان عقلی‌اش وجود دارد که شتر یک‌کوهانه یا سه‌کوهانه یا بیشتر یا کمتر داشته باشیم، سبب می‌شود این قضیه امکانی باشد).

۲۵۶۰- گزینه ۲ از آن‌جا که زمین مکانی محدود است، موجودات روی آن نیز محدود هستند؛ بنابراین نامحدودبودن موجودات روی زمین محال و ممتنع است.

بررسی سایر گزینه‌ها: رابطه موضوع و محمول امکانی است، زیرا صادق یا کاذب بودن این قضایا منجر به تناقض نمی‌شود و از نظر عقلی امری ممکن و شدنی است، هرچند در جهان کنونی صدق آن‌ها بسیار بعید به نظر می‌رسد.

۲۵۶۱- گزینه ۱ زمانی که محمول قضیه برای موضوعش نه ضروری باشد و نه ممتنع، قطعاً رابطه آن‌ها «امکانی» است و قضیه «ارتفاع و میانه مثلث یکی است» مثال آن است؛ زیرا در مثلث‌های متساوی‌الاضلاع و متساوی‌الساقین این‌گونه است و در سایر مثلث‌ها این‌گونه نیست.

توجه: شریک‌الباری یعنی شریک خداوند که وجود آن محال و ممتنع است.

۲۵۶۲- گزینه ۳ **توجه:** این‌که «الف» اقتضای «ب» را دارد، یعنی ذات «الف» ضرورتاً دارای «ب» است. زمانی که ماهیت موضوع و محمول اقتضای وجود رابطه را دارد. ← رابطه ضروری

زمانی که ماهیت موضوع و محمول اقتضای عدم وجود رابطه را دارد. ← رابطه امتناعی
زمانی که ماهیت موضوع و محمول نه اقتضای وجود رابطه و نه اقتضای عدم رابطه را دارد. ← رابطه امکانی (لاقتضا)

۲۵۶۳- گزینه ۲ «عین وجود» بودن برای «ماهیت» در ذهن امری محال و در خارج امری ضروری است؛ زیرا مفهوم ماهیت در ذهن مغایر با مفهوم وجود است ولی مصداق آن‌ها در خارج یکی است.

۲۵۶۴- گزینه ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱ مفاهیم سه‌گانه برای قضایای سالبه هم وجود دارند. ۲ رابطه‌ای که خلاف آن را نمی‌توان پذیرفت رابطه ضروری است، نه امتناعی. ۴ اگر رابطه موضوع و محمولی ضروری نباشد می‌تواند امکانی یا امتناعی باشد.

سایر گزینه‌ها: در هیچ کدام محمول ذات موضوع یا جزئی از ذات موضوع نیست. توجه کنید که ضروری بودن با بی‌نیاز به دلیل بودن متفاوت است (هر بی‌نیاز به دلیلی ضروری هم هست ولی برخی ضروری‌ها نیازمند دلیل‌اند مثل قضایای ریاضی). در این‌جا هم ۲ و ۳ ضروری‌اند ولی نیازمند دلیل هم هستند.

۲۵۳۹- گزینه ۳ وقتی به چیزی اشاره می‌کنیم یعنی اشاره ما مرجعی دارد که همان مرجع به نحوی موجود است. در اشاره‌های حسی به یک واقعیت خارجی اشاره می‌کنیم و در اشاره‌های ذهنی به یک وجود ذهنی. پس به هر حال هر اشاره‌ای مستلزم این است که به نوعی به وجود مثلاً زالیه باور داشته باشیم. البته ممکن است باور ما درست نباشد ولی به هر حال بدون این باور اشاره کردن غیرممکن است.

۱ هر واقعیتی (موجودی) این دو حیثیت را دارد، نه هر چه فرض شود. مثلاً سیم‌رغ به عنوان یک فرض خیالی، هستی ندارد. ۲ اگر مقصود از «وجود همان چیز» مفهوم جزئی وجود یک شیء خاص باشد، در این صورت چون برای مفاهیم جزئی نسب اربعه را تعریف نکرده‌ایم، اصلاً نسبتی بین ماهیت یک چیز و وجودش نداریم. اما اگر مقصود از «وجود» مفهوم کلی وجود باشد (زیرا در بحث وجود و ماهیت، «وجود» وجه مشترک موجودات است و لذا وجود یک چیز با وجود دیگر موجودات فرقی ندارد) در این صورت رابطه عموم و خصوص من‌وجه است. زیرا مصداق واقعی این ماهیت، مصداق مشترک ماهیت و وجودش است (برخی از این ماهیت‌ها موجودند) و مصداق فرضی و خیالی آن ماهیت ناموجودند (بعضی از این ماهیت‌ها وجود نیستند) و مصداق دیگر موجودات هم از آن ماهیت نیستند (بعضی وجودها از نوع این ماهیت نیستند). اما اگر مقصود از «وجود همان چیز» مفهوم «وجود» با قید تعلق به آن ماهیت باشد، رابطه عموم و خصوص مطلق است. زیرا «هر وجود یک شیئی مصداق ماهیت آن شیء هم هست» ولی «بعضی از مصداق فرضی و خیالی آن ماهیت، مصداق وجود آن نیستند». به هر حال قطعاً رابطه ماهیت یک چیز با وجودش، تساوی نیست. ۴ ممکن است ماهیت را شناخته باشیم و فقط در مورد وجود اشتباه کرده باشیم. مثلاً وقتی شیئی را از دور گریه می‌پنداریم و جلو می‌رویم و متوجه می‌شویم که سنگ بوده است، ما هم چنان گریه را به درستی می‌شناسیم ولی در مورد وجود آن گریه خطا کرده‌ایم.

۲۵۴۰- گزینه ۴ اگر وجود جزء ماهیات باشد، مثل بقیه اجزای ماهیات، برای آن‌ها ذاتی و ضروری خواهد بود و هرگز از آن‌ها جدا نخواهد شد؛ بنابراین همه ماهیات واجب‌الوجود خواهند شد.

با توجه به اینکه در فرض صورت سؤال، «وجود» جزء ماهیت است، نه عین آن، پس هنوز اجزای دیگر ماهیت، به عنوان عامل تفاوت بین «وجود» و «ماهیت» مورد پذیرش هستند. پس می‌توان گفت از واقعیت دو مفهوم مختلف وجود و ماهیت را می‌توان انتزاع کرد (رد گزینه ۱) و وجود و ماهیت عین هم نیستند (رد گزینه ۲) و ماهیت‌ها به جهت اجزای غیر از وجودشان، همچنان با هم متفاوت‌اند (رد گزینه ۳). به عنوان مثال، در فرض صورت سؤال، می‌توان گفت ماهیت انسان و ماهیت مثلث، به ترتیب «حیوان ناطق موجود» و «شکل سه‌ضلعی موجود» هستند. در این صورت این دو مفهوم عین هم نیستند و تفاوت دارند و می‌توان آن‌ها را جدا از وجود محض، از انسان و مثلث انتزاع کرد (حیوان ناطق موجود و شکل سه‌ضلعی موجود هم با هم متفاوت‌اند و هم با «وجود»).

۲۵۴۱- گزینه ۲ در نگاه اول این سؤال هم می‌تواند مربوط به درس ۱ فلسفه ۲ باشد و هم درس ۲. اگر حمل 180° بر زوایای داخلی مثلث، از نظر نیازمندی به دلیل بررسی شود، مربوط به درس ۱ است و اگر از نظر ضروری‌بودن مورد نظر باشد، مربوط به درس ۲ است، اما از آن‌جا که حمل‌های مطرح‌شده در همه گزینه‌ها ضروری‌اند، متوجه می‌شویم این سؤال مربوط به درس ۱ است و باید در گزینه‌ها به دنبال حمل نیازمند به دلیل باشیم.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «قابل صدق و کذب» در تعریف «قضیه» وجود دارد و حمل آن نیازمند به دلیل نیست. ۲ «راست‌قامت» در تعریف «انسان» (حیوان ناطق) نیست و حمل آن نیازمند به دلیل است. ۳ «اندیشنده» در تعریف «انسان» هست، زیرا مقصود از «ناطق» همان «متفکر» یا «اندیشنده» است؛ بنابراین حمل آن نیاز به دلیل ندارد. ۴ هر «تصدیقی» طبق تعریف، «دانش» است پس حمل «دانش» بر «تصدیق» به دلیل نیاز ندارد. x

۲۵۴۲- گزینه ۳ حمل «الف» بر «ب» یعنی «ب الف است». حمل «ناطق» بر «حیوان»، نیازمند دلیل و امکانی است زیرا حیوان می‌تواند ناطق باشد (انسان) و می‌تواند نباشد (مثل گربه).

بررسی گزینه‌ها: ۱ حمل «دانش» بر «تصور» بی‌نیاز از دلیل و ضروری است، زیرا تصور بنا بر تعریف، نوعی دانش است. x ۲ حمل «حساس» بر «حیوان» بی‌نیاز از دلیل و ضروری است، زیرا حیوان بنا بر تعریف، جسم رشدکننده حساس است. x ۳ حمل «کاذب» بر «قضیه» نیازمند به دلیل و امکانی است، زیرا قضیه می‌تواند صادق یا کاذب باشد. ۴ حمل «جسمانی» بر «انسان» بی‌نیاز از دلیل و ضروری است، زیرا انسان بنا بر تعریف، جسم رشدکننده حساس ناطق است. x